



کمیته حقوق بشر
حقوقدانان انگلستان و ویلز
(BHRC)

رهنمود آموزشی
پیرامون حقوق زنان و طفل

افغانستان

اپریل ۲۰۰۷



BAR HUMAN RIGHTS COMMITTEE OF ENGLAND AND WALES
GARDEN COURT CHAMBERS
57-60 LINCOLN'S INN FIELDS
LONDON WC2A 3LS
UNITED KINGDOM

Tel: +44(0)20 7993 7755

Fax: +44(0)20 7993 7700

Email: bhrc@compuserve.com

Website: www.barhumanrights.org.uk

فهرست مندرجات

مقدمه	۱
فصل اول: حقوق در قوانین بین المللی و داخلی	۳
الف) قوانین بین المللی حقوق بشر	۳
ب) طرز العمل ها و درمانهای تطبیق قوانین بین المللی	۱۲
ج) معاهدات منطقه ئی و ادارات نظارت	۱۶
د) حقوق مندرج قانون اساسی افغانستان	۱۹
فصل دوم: حقوق زنان	۲۱
الف) مقدمه	۲۱
ب) میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان	۲۳
ج) پروتوکول اختیاری	۴۲
د) موارد حقوقی	۴۴
ه) نتیجه گیری	۴۷
فصل سوم: حقوق طفل	۴۸
الف) مقدمه	۴۸
ب) میثاق حقوق طفل	۵۰
ج) پروتوکولهای اختیاری	۸۲
د) موارد حقوقی	۸۳
ه) نتیجه گیری	۸۵
مأخذ ها	۸۶

مقدمه

کمیته حقوق بشر حقوقدانان انگلستان و ویلز (BHRC) یک شاخه بین المللی حقوق بشر انجمن حقوقدانان انگلستان و ویلز می باشد. این یک اداره کاملاً مستقل بوده عمدتاً مصروف حفظ حقوق وکلای مدافع و قضات در سراسر جهان است. این کمیته همچنان در دفاع از حاکمیت قانون و موازین حقوقی بین المللی مربوط به حق محاکمه عادلانه فعالیت می نماید و ساحة فعالیت آن نه تنها به انگلستان و ویلز باقی مانده بلکه به کلیه کشورهای جهان میرسد.

کمیته حقوق بشر حقوقدانان انگلستان و ویلز توسط گروهی از وکلای مدافع در سال ۱۹۹۱ تأسیس گردید. این کمیته یک رئیس، یک معاون رئیس، یک مسئول مالی و کمیته اجراییه دارد که ماهانه یک بار مجلس می نماید. اهداف اساسی کمیته حقوق بشر حقوقدانان انگلستان و ویلز عبارت اند از:

پیشتیانی و حمایت از حقوقدانان و قاضیانی که در محل کار شان مورد تهید و فشار قرار دارند



حمایت از حاکمیت قانون و موازین قبول شده بین المللی حقوق بشر



مشاورت، پیشتیانی و همکاری با سایر سازمانها و افرادی که برای حقوق بشر کار می کنند



رشد علاقمندی و شناخت حقوق بشر و قوانین مربوط به حقوق بشر



ارائه مشوره به شورای عمومی سازمان وکلای مدافع انگلستان و ویلز در رابطه با مسایل حقوق بشر



در این پروژه اداره ذیل با کمیته حقوق بشر حقوقدانان انگلستان و ویلز همکاری نموده است:

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)

این کمیسیون بتاريخ ۶ جون سال ۲۰۰۳ مطابق به توافقات بن، اصول پاریس و اساسات حکومت موقت بمنظور رشد و حمایت حقوق بشر در افغانستان ایجاد گردید. این یک سازمان ملی حقوق بشر است که در ماده ۵۸ قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۴ افغانستان تسجیل یافته است.

این پروژه از جانب اداره ذیل تمویل شده است:

وزارت امور خارجه و مشترک المنافع بریتانیا (FCO)

وزارت امور خارجه و مشترک المنافع بریتانیا از منافع بریتانیا در خارج حمایت نموده با سازمانهای بین المللی در زمینه پشتیبانی یک جامعه مستحکم جهانی همکاری می نماید. این وزارت مسئولیت پیشبرد امور با سایر حکومتات و سازمانهای بین المللی را بدوش دارد.

ترجمه: بشیر طنین (bashir.tanin@t-online.de)

فصل اول: حقوق در قوانین بین المللی و داخلی

الف) قوانین بین المللی حقوق بشر

مقدمه: قوانین حقوق بشر و سازمان ملل متحد

قوانین حقوق بشر به مناسبات میان آنانیکه حکومت می کنند و آنانیکه بالای شان حکومت می شود ارتباط می گیرد. اساس قوانین حقوق بشر در تفکر و اندیشه های سیاسی غربی و نیز در اصول قوانین طبیعی و تیوری های سیاسی زمان انقلاب های فرانسه و امریکا نهفته است، هرچند ارزشها و اصول آنرا در فرهنگ های دیگر نیز میتوان دریافت^۱.

پس از جنگ دوم جهانی قانون حقوق بشر تدوین گردید که جزء یک نظم بین المللی حقوقی در چارچوب سازمان ملل متحد میباشد. بتاريخ ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد از جانب ۵۱ کشور تاسیس گردید و این کشورها تعهد نمودند تا صلح را از طریق همکاری بین المللی و امنیت دسته جمعی حفظ نمایند. امروز تقریباً همه کشورهای جهان عضو سازمان ملل متحد بوده تعدا کنونی اعضای این سازمان به ۱۹۱ کشور می رسد.

وقتی دولت ها عضو سازمان ملل متحد می شوند موافقه می کنند که مکلفیت های ناشی از منشور سازمان ملل متحد منعقدده سال ۱۹۴۵ را به عنوان یک پیمان بین المللی که قواعد اساسی مناسبات بین المللی را تعیین می کند، بپذیرند.

^۱ مراجعه شود به طور عمومی به ستاینر، ج.ج. و آستون، پ، حقوق بشر بین المللی در متن، سیاست قوانین و

اخلاقیات. چاپ دوم، آکسفورد، مطبعه پوهنتون آکسفورد، سال ۲۰۰۰

ماده اول منشور سازمان ملل متحد حکم می کند که

"اهداف سازمان ملل متحد عبارت اند از:

۱- حفظ صلح و امنیت بین المللی؛

۲- رشد مناسبات دوستانه میان کشورها؛

۳- همکاری در عرصه حل پروبلم های بین المللی و رشد احترام به حقوق بشر؛ و

۴- ایفای نقش مرکز هماهنگ سازی فعالیت های کشورها."^۲

در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد پیشبینی شده است که ملل متحد "احترام و رعایت جهانی حقوق و آزادی های اساسی بشر برای همه بدون تمایز نژادی، جنسی، زبانی و مذهبی" را تقویت می بخشد. درعین حال در ماده ۵۶ آمده است که "تمام اعضا تعهد می نمایند که اقدامات مشترک و جداگانه را در همکاری با سازمان ملل متحد بمنظور نیل به اهداف ماده ۵۵ اتخاذ نمایند".

ماده های ۵۵ و ۵۶ باتصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) در سال ۱۹۴۸ غنا یافتند. طراحان این اعلامیه متعلق به کشورها و فرهنگ های مختلف بودند. بویژه اسناد سازمان ملل متحد سهمگیری دیپلماتهای عربی و مسلمان را از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۶ نشان میدهد.

حکومات از طریق مساعی سازمان ملل متحد شمار زیادی از موافقتنامه های چندجانبه را به منظور مبدل ساختن جهان به یک جای مصئون تر و سالم تر و دارای فرصت و عدالت بیشتر به امضای رسانیدند. سازمان ملل متحد یک دسته ای همه جانبه قوانین بین المللی را که شامل قانون حقوق بشر می شود، بوجود آورد.

(i) پیمان ها

^۲ جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.un.org/aboutun/charter/>

- معیارهای حقوق بشر در میثاق ها، کنوانسیون ها، منشورها و پروتوکول ها تسجیل یافته اند که بر کشورهای که خود را مکلف به رعایت آن دانسته اند لازمی می باشند.
- پیمان ها (مراجعه کنید به پائین) جهت تصویب دولت ها باز اند.
- تصویب و الحاق عبارت از یک سند یا عمل بین المللی است که بوسیله آن یک کشور موافقه خویش را مبنی بر رعایت از پیمان ابراز می دارد. مرحله تصویب به یک کشور فرصت زمانی میدهد که در سطح ملی تأیید دولت را بدست آورده و قوانین لازم را جهت تأثیر داخلی پیمان نافذ سازد.
- شروط دولت (state reservations) به معنی آنست که تأثیر حقوقی برخی احکام پیمان هنگام تطبیق آن در کشور مربوط خارج ساخته و یا تغییر داده شود. این شروط می تواند هنگام امضاً، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق پیمان ارائه شود ولی نباید مخالف مرام و هدف پیمان باشد. افزون برآن، یک پیمان ممکن است ارائه چنین شروط را منع قرارداد داده و یا تنها شروط معینی را اجازه دهد.^۳

(ii) موازین بدون پیمان

- بسیاری از موازین حقوق بشر نه در پیمان ها بلکه در اسناد غیرالتزامی بین المللی چون اعلامیه ها، اصول، قواعد و غیره شامل اند.
- مهمترین آن اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد می باشد که از آن بسیاری از پیمان ها، اسناد و قوانین اساسی ملی الهام گرفته اند.
- هرچند موازین بدون پیمان از لحاظ تخنیکی دارای قوت حقوقی چون معاهدات نبوده ولی دارای قوه اقناعی می باشند زیرا از جانب کشورها مورد مذاکره قرار گرفته و توسط مراجعی چون مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده اند.
- برخی از موازین حقوق بشر به عنوان قانون مروج بین المللی که بر کشور ها لازمی است وسیعاً پذیرفته شده اند.

^۳ کنوانسیون ویانا پیرامون قانون معاهدات مصوب سال ۱۹۶۹ یک پیمان باصلاحیت درباره قانون بین المللی معاهدات است که در آن طرزالعمل های تصویب، تفسیر و ابطال پیمان ها درج شده اند. جهت متن کامل مراجعه شود به: http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf

(iii) گذارشگر خاص

- گذارشگر خاص به طرز العمل مربوط به گذارشات و اطلاعات مبنی بر نقض حقوق بشر و آزادی اساسی ارتباط می گیرد.
- شخصی که به صفت گذارشگر خاص ایفای وظیفه می نماید توسط رئیس کمیسیون حقوق بشر پس از مشوره با پنج گروپ منطقه ئی که از کشورهای عضو کمیسیون تشکیل یافته اند تعیین می گردد.
- گذارشگر خاص صلاحیت دارد درباره نقض و تخطی از حقوق بشر در سراسر جهان ارزیابی و نظارت نموده، در مورد آن مشوره داده و گذارش علنی ارائه نماید که بنام صلاحیت های تیماتیک یاد می شود.
- گذارشگران خاص حین ایفای وظایف شان به کشور ها سفر نموده و دوباره به کمیسیون حقوق بشر گذارش می دهند.

سازمان ملل متحد: اسناد حقوق بشر

سه سند عمده عمومی که بنام حقوق اساسی بین المللی (International Bill of Rights) یاد می شوند عبارت اند از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

اسناد دیگری که به تخطی های خاص ارتباط گرفته و حقوق گروه ها را حفظ می کنند مشتمل اند بر میثاق بین المللی امحای تمام انواع تبعیض نژادی، میثاق برضد شکنجه و سایر بر خودرها یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان و میثاق حقوق طفل. این از جمله مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشر بشمار می آیند که افغانستان نیز آنها را به تصویب رسانیده است.

(i) اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) – ۱۹۴۸

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ که از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ اعلام شد بالای کشورها مکلفیت های حقوقی را واگذار نکرده بلکه برای آنها اهدافی را تعیین می کند که بخاطر نیل به آن کار نمایند. بسیاری از احکام این اعلامیه اکنون به مثابه قانون مروج بین المللی وسیعاً پذیرفته شده اند.

این سند حقوق و آزادی های اساسی را که تمام زنان و مردان مستحق آن اند احتوا می کند چون حق زندگی، آزادی و تابعیت، حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب، حق کار و تحصیل، حق خوراک و کاشانه، حق اشتراک در حکومت و حق عدم تبعیض براساس نژاد، رنگ پوست، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، ملکیت، محل تولد و حالات دیگر.

- افغانستان اعلامیه جهانی حقوق بشر را در ماده ۷ قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۴ خویش برسمیت شناخته تعهد نموده است که از اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات و میثاق های بین المللی که افغانستان عضویت آنرا دارد، رعایت می نماید.

(ii) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) – ۱۹۶۶

ماده اول، بخش اول میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۵ را تشکیل داده حکم می کند که "تمام مردم حق دارند خود سرنوشت خویش را تعیین نمایند" و این حق خودارادیت به معنی آنست که مردمان حق دارند حالت سیاسی و آزادی خود را بخاطر رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش تعیین نمایند. این ماده سرانجام دولت ها را مکلف می سازد تا "تحقق حق خودارادیت" را رشد دهند.

^۴ جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.un.org/Overview/rights.html>

^۵ جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

ماده های ۲-۵ حاوی اقدامات مبنی بر احترام و تامین بلاتبعیض حقوق ماهوی مندرج میثاق، که بلافاصله بایست عملی گردند، و سایر احکام معین دارای ماهیت کلی می باشند. همچنان به ضرورت راه حل های مؤثر تخطی حقوق مندرج این میثاق اشاره شده است.

ماده های ۶-۲۷ (بخش سوم) فهرست وسیع حقوق مدنی و سیاسی را که این میثاق از آن حمایت می نماید بدست می دهد.

ماده های ۲۸-۴۵ (بخش چهارم) کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد را ایجاد نموده و اقدامات تحقق و تطبیق این میثاق در عرصه حقوق مدنی و سیاسی را محتوا می کنند.

اقدامات مبنی بر تطبیق میثاق توسط نخستین پروتوکول اختیاری مصوب سال ۱۹۶۶ علاوه گردید. پروتوکول دوم مصوب سال ۱۹۸۹ مجازات اعدام را در کشور های که عضویت میثاق را بدست می آورند از میان برداشت. کشورهای عضو قبول نمودند که هیچ شخص در قلمرو کشور عضو اعدام نخواهد شد و موافقه کردند که تمام تدابیر لازم را بخاطر ازبین بردن جزای اعدام اتخاذ خواهند کرد.

- افغانستان به تاریخ ۲۴ اپریل سال ۱۹۸۳ این میثاق را به تصویب رساند.^۶
- افغانستان پروتوکول اول یا دوم میثاق را به تصویب نرسانیده است.

^۶ جهت متن الحاق افغانستان به میثاق مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

(iii) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) – سال ۱۹۶۶

ماده اول پیرامون حق تمام مردمان مبنی بر تعیین سرنوشت بوده بخش اول این میثاق^۷ را تشکیل داده و با ماده اول میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یکسان می باشد. به استثنای این حق، سایر حقوق دیگری که در این میثاق آمده اند و نیز مکلفیتهای که کشورها در قبال آن پذیرفته اند متفاوت می باشند.

ماده های ۲-۵ (بخش دوم) وجایب کشورهای عضو را در ارتباط به حقوقی که در این میثاق تشجیل یافته اند پیشبینی کرده آنها را مکلف می سازد تا اقداماتی را بخاطر تحقق متداوم و بلا تبعیض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق کمک و همکاری انفرادی و بین المللی تا آخرین حد منابع دست داشته کشور عضو اتخاذ نمایند. ماده های ۶-۱۵ (بخش سوم) فهرست وسیع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که این میثاق از آن حمایت می نماید بدست می دهد.

ماده های ۱۶-۲۵ (بخش چهارم) یک سیستم گذارنده منظم کشورهای عضو را که از جانب شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بخاطر تطبیق میثاق در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار می گیرد، بدست می دهد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از تطبیق این میثاق نظارت می کند.

افغانستان این میثاق را به تاریخ ۲۴ اپریل سال ۱۹۸۳ بتصویت رسانیده است.^۸

(iv) میثاق بین المللی پیرامون امحای تمام اشکال تبعیض نژادی – ۱۹۶۵

این میثاق^۹ کشورهای عضو را از تبعیض نژادی برضد افراد، گروههای اشخاص یا نهادها بازداشته از این کشورها می طلبد تا تامین نمایند که مقامات و موسسات دولتی نیز باعث چنین عملی نگردند.

^۷ جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/3.htm>

^۸ جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/cescr.htm>

^۹ جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/cerd.htm>

کمیته امحای تبعیض نژادی از تطبیق میثاق توسط کشورهای عضو نظارت می کند.

افغانستان به تاریخ ۵ اگست سال ۱۹۸۳ این میثاق را به تصویب رساند.^{۱۰}

(v) میثاق برضد شکنجه و سایر برخوردها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز - ۱۹۸۴

قوانین بین المللی شکنجه را جداً محکوم می نماید زیرا این نقض خیلی جدی حقوق بشر بشمار می آید. در میثاق برضد شکنجه و سایر برخوردها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (CAT)^{۱۱} آمده است که برای منع شکنجه هیچ استثنای وجود ندارد. این میثاق شکنجه را تعریف نموده و مشخص می سازد که کشورهای عضو در قوانین نافذ خویش شکنجه را غیرقانونی اعلام نمایند و واضحاً خاطر نشان می سازد که به هیچگونه حالت استثنائی بمثابه توجیه شکنجه استناد شده نمی تواند.

کمیته ضد شکنجه تطبیق این میثاق توسط کشورهای عضو را نظارت می کند.

افغانستان این میثاق را به تاریخ ۲۶ جون سال ۱۹۸۷ به تصویب رسانید.^{۱۲}

(vi) میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان (CEDAW) - ۱۹۷۹

این میثاق^{۱۳} اصول بین المللی پیرامون حقوق زنان را ابراز نموده روی تضمین تساوی حقوق میان زن و مرد تاکید می نماید. این میثاق تمام اشکال تبعیض برضد زنان را منع قرارداد به تدابیر جهت تامین اینکه زنان در همه جا بتوانند از حقوق حقه خویش مستفید گردند، اشاره می کند.

^{۱۰} جهت مطالعه شروط و اعلامیه افغانستان به ارتباط این میثاق مراجعه شود به:

<http://www.ohchr.org/english/countires/ratification/۲.htm>

^{۱۱} جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/cat.htm>

^{۱۲} جهت مطالعه اعلامیه افغانستان به ارتباط این میثاق مراجعه شود به:

<http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/۹.htm>

^{۱۳} جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/cedaw.htm>

کمیته امحای تبعیض برضد زنان از تطبیق این میثاق توسط کشورهای عضو نظارت می کند.

افغانستان به تاریخ ۵ مارچ سال ۲۰۰۳ این میثاق را به تصویب رسانید.^{۱۴}

(vii) میثاق حقوق طفل (CRC) – ۱۹۸۹

میثاق حقوق طفل^{۱۵} دربرگیرنده کلیه جوانب حقوق اطفال اعم از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شان بوده تاکید می ورزد که مستفیدشدن از یک حق را نمی توان از مستفیدشدن حقوق دیگر مجزا ساخت.

کمیته حقوق طفل از تطبیق این میثاق توسط کشورهای عضو نظارت میکند.

افغانستان به تاریخ ۲۷ اپریل سال ۱۹۹۴ این میثاق را به تصویب رسانیده است.^{۱۶}

^{۱۴} افغانستان کدام اعلامیه یا شروطی را درارتباط با این میثاق ارائه نداشته است. جهت سایر اعلامیه ها یا شروط دول به ارتباط این میثاق مراجعه شود به:

http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/۸_۱.htm

^{۱۵} جهت متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ohchr.org/english/law/crc.htm>

^{۱۶} جهت مطالعه اعلامیه افغانستان به ارتباط این میثاق مراجعه شود به:

<http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/۱۱.htm>

ب) طرز العمل ها و درمانهای تطبیق قوانین بین المللی

۱. مقدمه

هراداره حقوق بشر ملل متحد متشکل از یک کمیته کارشناسان مستقل است که تطبیق پیمان مربوطه حقوق بشر را نظارت می کند. این کمیته ها مطابق به احکام پیمان های مورد نظارت شان ایجاد می شوند و شماری از وظایف را براساس احکام پیمان های خویش انجام می دهند، از قبیل:

- بررسی گزارشات کشورهای عضو
- بررسی شکایات یا اطلاعات انفرادی
- بررسی شکایات یا اطلاعات بین الدولتی
- نشر تبصره های عمومی

تمام این کمیته ها تبصره های یا سفارشات عمومی را مبنی بر تفسیر و تعبیر باصلاحیت میثاق مربوط به نشر میسرانند. این کمیته ها ادارات قضائی نبوده بلکه شبه قضائی می باشند. در تمام حالات، تبصره های نهائی در برابر گزارشات دول، ابرازنظرها در پاسخ به شکایات انفرادی و تبصره ها و سفارشات عمومی کمیته ها الزامی نبوده بلکه سفارشی می باشند. سیستم حقوق بشر ملل متحد مشتمل بر قوانین ملایم است زیرا مستقیماً در محاکم قابل تطبیق نبوده بلکه باوصف آن تأثیری بر مناسبات بین المللی و حقوق بین الدول دارد.

میتود دیگر ارائه گزارش جانبی به کمیته ها نیز وجود دارد که از جانب انجیوها (سازمانهای غیرحکومتی) و سایرین تهیه می شود. این چنین گزارش وسیله مؤثری است برای گروه های غیردولتی بخاطر ارائه انتقاد یا افزودن معلومات در گزارش رسمی دولت. بر مبنای این میکانیزم گزارشدهی حکومت خود را در برابر اتباع کشور و ملل متحد مسئول دانسته آنها به پیمان خود متن گزارش مهم و ارزنده می دانند. انجیوهای کشورهای مختلف گزارش های بدیل را در پهلوی گزارش رسمی دولت تهیه کرده اند.

سازمان ملل متحد: ادارات پیمان های حقوق بشر

(i) کمیته حقوق بشر

این کمیته تطبیق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) را از جانب کشورهای عضو از طریق:

- ارائه گزارشات - ماده ۴۰
- شکایات بین الدولتی - ماده های ۴۱ - ۴۳
- شکایات انفرادی - پروتوکول نخست اختیاری

تطبیق می کند.

(ii) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تطبیق میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) را از جانب کشورهای عضو از طریق

- ارائه گزارشات - ماده ۱۶
- شکایات انفرادی - مسوده پروتوکول اختیاری

نظارت می کند. در حال حاضر این کمیته نمی تواند شکایات انفرادی را مورد بررسی قرار دهد هرچند مسوده پروتوکول اختیاری در زمینه این میثاق مورد بررسی قرار دارد.

(iii) کمیته امحای تبعیض نژادی

کمیته امحای تبعیض نژادی، تطبیق میثاق بین المللی پیرامون امحای تمام اشکال تبعیض نژادی (CERD) را از جانب کشورهای عضو از طریق:

- ارائه گزارشات - ماده ۹
- شکایات بین الدولتی - ماده های ۱۱ - ۱۳
- شکایات انفرادی - ماده ۱۴ (طرز العمل اختیاری)
- طرز العمل های هشدار قبلی و عاجل

نظارت می کند. طرز العمل های هشدار قبلی و عاجل از جمله تدابیر وقایوی اند که هدف از آن جلوگیری از مبدل شدن اوضاع موجود به منازعات و اتخاذ تدابیر عاجل در مورد پروبلم هائی است که نیازمند توجه عاجل به جلوگیری یا محدود ساختن مقیاس یا شمار تخطی های جدی از میثاق می باشند.

(iv) کمیته ضد شکنجه

کمیته ضد شکنجه تطبیق میثاق ضد شکنجه (CAT) و سایر برخوردها یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و حقارت آمیز را از جانب کشورهای عضو از طریق:

- ارائه گزارشات - ماده ۱۹
- شکایات بین الدولتی - ماده ۳۰ (طرز العمل اختیاری)
- شکایات انفرادی - ماده ۲۲ (طرز العمل اختیاری)
- تحقیقات عاجل - ماده ۲۰
- پروتوکول اختیاری - مصوب سال ۲۰۰۲ که برای تصویب و الحاق کشورها باز می باشد.

نظارت می کند. وقتی که یک پروتوکول اختیاری پیرامون میثاق نافذ گردد، یک کمیته فرعی را بوجود آورده و به تفتیش محلات توقیف یک کشور در همکاری با نهاد های ملی اجازه می دهد.

(v) کمیته امحای تبعیض برضد زنان

این کمیته تطبیق میثاق بین المللی امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان (CEDAW) را توسط کشورهای عضو از طریق:

- ارائه گزارشات - ماده ۱۸
- سفارشات - ماده ۲۱
- شکایات انفرادی - پروتوکول اختیاری
- تحقیق - پروتوکول اختیاری

نظارت می کند.

(vi) کمیته حقوق طفل

کمیته حقوق طفل تطبیق کنوانسیون حقوق طفل (CRC) و پروتوکول اختیاری آن را توسط کشورهای عضو از طریق:

- ارائه گزارشات - ماده ۴۴

نظارت می کند.

ج) معاهدات منطقه‌ئی و ادارات نظارت

مقدمه

علاوه بر میکانیزم‌های ملل متحد برای تطبیق حقوق بشر، پیمان‌های منطقه‌ئی حقوق بشر در قاره افریقا، امریکا و اروپا انعقاد یافته‌اند. حقوقی که توسط این پیمان‌ها حفظ می‌شوند از حقوق اساسی بین‌المللی منشأ گرفته و مشابه آنها می‌باشند. هر یک از این پیمان‌های منطقه‌ئی روش‌های منحصر به خود را در جهت جستجوی اطمینان اینکه حقوق از طریق تطبیق آن در محاکم ملی جامه عمل بپوشد، پی‌ریزی کرده‌است. سه پیمان عمده منطقه‌ئی پیرامون حقوق بشر عبارت‌اند از منشور حقوق بشر و مردم افریقا (منشور افریقا)، کنوانسیون حقوق بشر امریکا (ACHR) و کنوانسیون حفظ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اروپا (ECHR).

پیمان‌های منطقه‌ئی و ادارات نظارت

(i) افریقا

- منشور افریقا در سال ۱۹۶۱ به تصویب رسید و از جانب کمیسیون حقوق بشر و مردم نظارت می‌شود.
- این کمیسیون اطلاعات دول، اشخاص و سازمان‌ها را مبنی بر نقض حقوقی که در این منشور تضمین شده است دریافت و ارزیابی می‌کند. سازمان‌های غیرحکومتی و اشخاص انفرادی نیز اجازه دارند در برابر کمیسیون شکایات خویش را بشکل شفاهی اظهار نمایند. تصامیم نهائی کمیسیون بنام سفارشات یادشده و به ذات خویش بردول ذی‌علاقه الزامی نمی‌باشند.

- پروتوکول منشور افریقا، محکمه حقوق بشر و حقوق مردم افریقا را بوجود آورده و صلاحیت دارد نظریات مشورتی را به درخواست یک کشور عضو یا یک سازمان به ارتباط منشور یا هر سند ذریبط دیگر حقوق بشر افریقا ارائه نماید.

(ii) امریکا

- کنوانسیون حقوق بشر امریکا (ACHR) در سال ۱۹۶۹ به تصویب رسید و در آن به کمیسیون حقوق بشر بین الامریکائی صلاحیت داده شده است که قضایا را استماع و گذارشات را کسب نماید.
- کمیسیون حقوق بشر بین الامریکائی یکی از دو اداره رشد و حفظ حقوق بشر می باشد. این کمیسیون شکایات و عرایض اشخاص انفرادی مبنی بر نقض حقوق بشر را کسب نموده، قضایا را به محکمه بین الامریکائی گسیل داشته و حین دعوی قضایا در برابر محکمه ظاهر می شود.
- محکمه حقوق بشر بین الامریکائی صلاحیت قضاوت و مشورت داشته، کنوانسیون را تطبیق و تفسیر نموده، ودوسیه هایی را که در آن ادعا شده باشد که یکی از کشورهای عضو حقوق کنوانسیون را نقض کرده است، فیصله می کند.

(iii) اروپا

- کنوانسیون حفظ حقوق بشر و آزادی های اساسی اروپا (ECHR) در سال ۱۹۵۳ نافذ گردید. تصویب یا الحاق به آن شرط شمولیت در شورای اروپا می باشد.
- این کنوانسیون به محکمه حقوق بشر اروپا صلاحیت می دهد که به قضایا رسیدگی نماید. این محکمه شکایات کشور عضو یا اشخاص انفرادی را مبنی بر نقض یکی از حقوق مندرج کنوانسیون توسط دولت کسب می نماید.
- کمیته همچنان ممکن است به درخواست کمیته وزرا پیرامون مسائل حقوقی به ارتباط تفسیر کنوانسیون و پروتوکوهای مربوطه آن نظر مشورتی بدهد. فیصله نهائی محکمه بر دول الزامی بوده و دارای تاثیر سرکوب تصامیم ملی ویا لغو قوانین نخواهد بود.

(iv) اتحادیه دول عربی

در سال ۱۹۹۴ اتحادیه دول عربی، منشور حقوق بشر عربی را تصویب نمود که براساس آن کمیته کارشناسان حقوق بشر بعنوان میکانیزم نظارت کننده این منشور تاسیس گردید که گزارشات کشورهای عضو را یکبار در سه سال ارزیابی می کند. منشور عربی هنوز از جانب کشورهای مربوط بتصویب نرسیده است و یک کمیسیون و محکمه حقوق بشر در منطقه عربی فعالیت ندارند.

(v) سازمان کنفرانس اسلامی

اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۰ اعلامیه حقوق بشر قاهره را تصویب نمودند که در آن تأیید شده است که شریعت یگانه منبع حقوق بشر می باشد. این اعلامیه اکثراً بمثابه همتای اسلامی و پاسخ به اعلامیه جهانی حقوق بشر تلقی می شود.

د) حقوق مندرج قانون اساسی افغانستان

مقدمه

افغانستان در روند تاریخ حقوق اساسی را در قوانین اساسی مختلف خویش تسجیل نموده است که با قانون اساسی سال ۱۹۲۳ آغاز می شود. پروسه بن که از جانب سازمان ملل متحد آغاز گردید تدوین قانون اساسی جدید افغانستان را تسهیل بخشیده چارچوب تشکیل دولت در جهت ایجاد یک حکومت دارای پایه های وسیع و نماینده ملیت های مختلف را در سال ۲۰۰۴ بنیان گذاشت. موافقتنامه بن احکام پروسه های بنیادی سیاسی را وضع نموده کمیسیونهای متعددی را جهت حمایت از جنبه های مختلف تشکیل دولت بشمول کمیسیون قانون اساسی، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون خدمات ملکی و کمیسیون اصلاحات عدلی و قضائی^{۱۷} بوجود آورد.

کمیسیون تسوید قانون اساسی در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۲ ایجاد گردید که متشکل از ۹ عضو بود که از جانب رئیس جمهور تعیین گردیدند. صلاحیت کمیسیون این بود که مسوده قانون اساسی را تدوین نماید که بعداً به تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۰۳ به رئیس جمهور تقدیم گردید. این مسوده باید براساس قانون اساسی سال ۱۹۶۴ و تنها توسط افغانها تهیه میشد. کمیسیون تسوید قانون اساسی در ماه اپریل سال ۲۰۰۳ به کمیسیون ارزیابی قانون اساسی مبدل گشت که ۳۵ عضو داشت.

قانون اساسی سال ۲۰۰۴

^{۱۷} مراجعه شود به مقاله: وردگ، علی، "ایجاد یک سیستم بعدالعدلی در افغانستان" در نشریه جرم، قانون و تحول اجتماعی، شماره ۴۱، صفحات ۳۱۹ - ۳۴۱، سال ۲۰۰۴

قانون اساسی جدید افغانستان بتاريخ ۲۶ جنوری سال ۲۰۰۴ از جانب رئیس جمهور افغانستان محترم حامد کرزی توشیح و نافذ گردید. در این قانون اساسی اصول اسلام، دموکراسی و حقوق بشر تسجیل یافته و وظیفه حکومت می داند که به حقوق بشر احترام بگذارد.

ماده ۷ پیرامون حقوق بین الدول حکم می کند که:

(۱) "دولت از منشور سازمان ملل متحد، معاهدات بین المللی، میثاق های بین المللی که افغانستان در پای آن امضا نموده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر رعایت می کند."

قانون اساسی جدید در فصل دوم - "حقوق اساسی و مکلفیت های اتباع (ماده های ۲۲ - ۵۹) حاوی حقوق اساسی برای کلیه اتباع افغانستان می باشد. این فصل شامل حقوق تساوی، زندگی، آزادی، کرامت انسانی، برائت الذمه، منع شکنجه، حقوق انتخابات، تحصیل، کار، منع کار اجباری، خانواده و غیره می باشد.

در ماده ۵۸ قانون اساسی تشکیل کمیسیون حقوق بشر افغانستان بمنظور نظارت، رشد و حفاظت حقوق بشر در افغانستان درج شده است. این ماده به هر فرد که ادعای نقض حقوق اش را می نماید اجازه می دهد شکایت خویش را به کمیسیون ارائه نماید. بعد از آن، کمیسیون می تواند قضایای نقض حقوق بشر را به مقامات قانونی بسپارد و در دفاع از حقوق عارض مساعدت رساند.

فصل دوم: حقوق زنان

الف) مقدمه

قوانین بین المللی حقوق بشر حق زنان مبنی بر روش مساویانه و عدم تبعیض جنسی را عموماً با ممنوع قراردادن تفاوت جنسی در استفاده از حقوق بشر برسمیت می شناسد. تساوی حقوق برای زنان اصل اساسی منشور سازمان ملل می باشد و اصول اساسی بین المللی حقوق بشر تاکید بر حقوق بشر زنان را تقویه و توسعه می بخشد.^{۱۸}

اما بعلت ظهور انواع مختلف تبعیض برضد زنان در بسیاری مناطق جهان چنین احساس گردید که برای زنان استفاده از حقوق پذیرفته شده بین المللی شان بقدر کافی تامین نشده است. کمیسیون وضع زنان^{۱۹} از زمان تاسیس خویش بدینسو سعی کرده است تضمین های عمومی درباره عدم تبعیض را در اسنادی که حقوق زنان را از لحاظ جنس مورد توجه قرار میدهد، تعریف و توضیح نماید. کار کمیسیون منتج به شماری از اعلامیه ها و کنوانسیون هائی گردید که حقوق بشر زنان را حفظ و تقویت می نماید.

مهمتر از همه، اسناد بین المللی ایکه خاصاً حقوق زنان را مورد توجه قرار می دهند مشتمل اند بر:

^{۱۸} مراجعه شود به طور عمومی به: چارلز ورت، ح. و چینکین، ک.، "حدود حقوق بین الدول. یک تحلیل فیمینیستی" (مانچستر: مطبعه پوهنتون مانچستر، ۲۰۰۰).

^{۱۹} کمیسیون وضع زنان بمتابه کمیسیون فعال شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد بمنظور تدارک سفارشات و گذارشات به شورا پیرامون تقویت حقوق زنان در عرصه های سیاسی، اقتصادی، مدنی، اجتماعی و تعلیمی ایجاد گردید.

- میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان سال ۱۹۷۹ (۱۸۵ کشور عضو در ماه نوامبر سال ۲۰۰۷).
- پروتوکول اختیاری میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان سال ۱۹۹۹ (۸۵ کشور عضو در ماه فیروری سال ۲۰۰۷)

ب) میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان

در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد این میثاق را که کاملاً متوجه تبعیض برضد زنان است، فیصله نمود. در این پیمان که تا کنون از جانب ۱۸۵ کشور به تصویب رسیده است، تعهدات حقوقی مبنی بر امحای تبعیض برضد زنان و تامین استفاده آنها از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شان بدون هیچگونه تبعیض در عرصه های عمومی و خصوصی، تسجیل شده است. شروط زیادی نسبت به این میثاق وجود دارد.

افغانستان به تاریخ ۵ مارچ سال ۲۰۰۳ این میثاق را به تصویب رسانید و کدام اعلامیه یا شرطی در زمینه احکام آن ارائه نکرده است.

مواد این میثاق احکامی خودمحتوا که منفردانه روی آن بحث می شود.

قانون ماهوی

ماده ۱ این میثاق، تبعیض برضد زنان را چنین تعریف می نماید:

هرگونه تمایز، قید و یا استثنا براساس جنس که تاثیر یا هدف از آن لطمه زدن یا نفی کردن شناخت، استفاده یا تعمیل حقوق بشر و آزادی های اساسی توسط زنان بدون در نظر داشت حالت مدنی آنها، براساس تساوی زنان و مردان، در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر عرصه دیگر باشد.

این میثاق در نظر ندارد تفکیک جنسی را از میان بردارد بلکه خواهان امحای برخورد تبعیض آمیز است که برای زنان زیان آور است.

تعهداتی که کشورهای عضو پذیرفته اند:

ماده ۲ به اقدامات تقنینی و سایر تدابیری اشاره می کند که این کنوانسیون از دول می طلبد آنرا بخاطر امحای تبعیض برضد زنان و تامین تحقق عملی تساوی مردان و زنان اتخاذ نمایند. این اقدامات مشتمل اند بر:

- شامل ساختن اصل تساوی مردان و زنان در قوانین اساسی ملی و سایر قوانین ذیربط؛
- حفظ قانونی حقوق مساوی زنان با مردان و تامین حفظ مؤثر زنان در برابر هر نوع عمل تبعیض از طریق محاکم باصلاحیت ملی و نهادهای دولتی؛
- ممنوع قراردادن تمام تبعیض ها برضد زنان از طریق اتخاذ اقدامات لازم تقنینی وغیره، بشمول تعزیرات؛
- خودداری مقامات و نهاد های دولتی از کاربرد تبعیض برضد زنان؛
- امحای تبعیض برضد زنان ازجانب شخص، سازمان یا موسسه؛
- تعدیل یا فسخ قوانین، مقررات، رسوم و عادات موجود که تبعیض برضد زنان را در بر داشته باشد؛
- فسخ تمام احکام قوانین جزائی که تبعیض برضد زنان را تشکیل دهد.

ماده ۲ کشورهای عضو را مکلف می سازد تا تدابیری را در زمینه تصویب کنوانسیون اتخاذ نمایند، و شامل احکامی مربوط به عرصه های تقنینی و غیرتقنینی می باشد.

مکلفیتها و وجایی که در ماده ۲ بیان شده است به عرصه تقنینی ارتباط می گیرد. از همین جهت، کشورهای عضو متعهد می شوند اصل عدم تبعیض را در قانون اساسی وسائر قوانین خویش بگنجانند و تطبیق عملی اصول را تأمین نمایند؛ قانون بشمول تعزیراتی را که تبعیض برضد زنان را منع قرار دهد به تصویب برسانند؛ حفاظت حقوقی برای زنان بشمول ایجاد نهادهای حقوقی به منظور تأمین حفاظت

مؤثر حقوقی را بوجود آورند؛ و قوانین موجود بشمول احکام قانون جزا که تبعیض برضد زنان را تشکیل دهد فسخ نمایند.

در عرصه غیرتقنینی، کشورهای عضو متعهد می شوند از تعمیم تبعیض برضد زنان خودداری نموده و توجه نمایند که کلیه ادارات و نهادهای دولتی نیز چنین بکنند؛ تدابیری را بخاطر امحای تبعیض در نزد یک "شخص، سازمان یا موسسه" اتخاذ نمایند؛ و اقدامات لازم را در جهت تعدیل یا فسخ هر نوع "مقررات، رسوم و عاداتی" که خصیلت تبعیضی بر ضد زنان داشته باشد انجام دهند.

رشد و ارتقای زن

ماده ۳ وجبیه عامتر را پیشبینی نموده از کشورهای عضو می طلبد تمام اقدامات لازم را در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اتخاذ نمایند تا

رشد و ارتقای زنان را به منظور تضمین کردن تعمیم و استفاده از حقوق بشر و آزادیهای اساسی آنها براساس تساوی با مردان تأمین نمایند.

لذا ماده ۳ به کشورهای عضو اجازه می دهد تا تدابیر مشخصی را در جهت ارتقای زنان اتخاذ نمایند.

تدابیر خاص موقت

در فقره ۱ ماده ۴ پیشنهاد می شود که دول عضو "تدابیر خاص موقت" را بخاطر تسریع روند تساوی میان مردان و زنان اتخاذ نمایند. این تدابیر بعد از آنکه اهداف این تساوی در عرصه امکانات و روشها برآورده گردد، بایست متوقف ساخته شود. لذا در میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان امکان عمل مثبت و تبعیض مثبت پیشبینی می شود. ولی هدف از این تدابیر معیار متفاوت نبوده و باید پس از نیل به اهداف آنها متوقف ساخته شوند.

مزید بر آن، فقره ۲ ماده ۴ پیشبینی می کند که اتخاذ تدابیر خاص "به منظور حفظ مادربودن نباید به عنوان تدابیر تبعیضی قلمداد شوند". این امر به کشورهای عضو اجازه می دهد تا اقداماتی را که در غیر آن خصلت تبعیضی خواهد داشت، اتخاذ نمایند. برخی از این اقدامات از قبیل فراهم ساختن کمکهای مالی به خانواده ممکن برای زنان مفید باشد درحالی که اقدامات دیگر ممکن عملاً برضد منافع شان باشد. به گونه مثال، اگر به زنان دارای اطفال اجازه داده نشود به انواع مشخص کار اشتغال ورزند ممکن است این امر ممکن است به منافع شان لطمه وارد نماید. چون میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان کدام طرزالعملی را برای ارزیابی چنین اقدامات پیشبینی نه می کند، هر کشور خود صاحب تدابیر خاص خود می باشد.

جنبه های اجتماعی و فرهنگی

ماده ۵ دو وجیهه دیگر را بالای کشورهای عضو می گذارد. فقره الف ماده ۵ از کشورهای عضو می طلبد که

کلیشه های اجتماعی و فرهنگی عادات و اعمال مردان و زنان را بمنظور امحای تعصبات، رسم و رواج و سایر اعمالی که یک جنس را نسبت به جنس دیگر پائینتر یا بالاتر بشمارد و یا نقشهای کلیشه ئی زنان و مردان را متبازر سازد، تغییر دهند.

این وجیهه دولت است که روشهای اجتماعی و فرهنگی را با استفاده از تمام اقدامات لازم تغییر دهد. اما این اقدامات و گستره روشهای عادات و اعمال که مستلزم تغییر اند در فقره الف ماده ۵ تعریف نشده اند. لذا انتظار می رود که هرکشور خودش گستره نقشهای کلیشه ئی زنان و مردان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی را تعیین نموده و به دنبال آن در صدد تغییر این روشها شود.

ماده ۵ با فراخواندن کشورهای عضو بنخاطر سهمگیری فعالانه در سرشت اجتماعی چنین روشهای عمل و اندیشه، یک وجیهه وسیعتری را به منظور تأمین حقوق مندرج میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان بردوش کشورهای عضو می گذارد.

فقره (ب) ماده ۵ شیوه ایرا در رابطه با روشهای فرهنگی برای کشورهای عضو گوشزد می کند که عبارت است از:

تأمین شامل ساختن درک لازم از مادربودن در سیستم تعلیم و تربیه به مثابه یک وظیفه اجتماعی و شناخت مسئولیت مشترک مردان و زنان در پرورش و رشد اطفال شان با در نظرداشت این که منافع اطفال در کلیه موارد در صدر امور باشد.

فقره (ب) ماده ۵ نشان می دهد که کشورهای عضو مکلف اند اتباع خویش را طوری تربیه نمایند که بدانند هر دو والدین نسبت به اطفال خویش حق و مسئولیت دارند. به عباره دیگر دولت باید تأمین نماید که اتباع درک نمایند که مادربودن نباید به مثابه یک انتخاب فردی بلکه به عنوان یک وظیفه اجتماعی نگریسته شود.

در فقره (ب) ماده ۵ حق شخصی فرد که در اینجا به حق والدین در انتخاب شمار و فاصله زمانی میان اطفال شان در حالات قلت یا کثرت نفوس ارتباط می گیرد، محدود می شود. بدین ترتیب این فقره ممکن است با بند (ه) فقره (۱) ماده ۱۶ که حق مساویانه مبنی بر تصمیم مردان و زنان را در تعداد اعضای خانواده شان تأمین می کند، در تناقض باشد.

فقره (الف) ماده ۵ از کشورهای عضو دعوت بعمل می آورد تا مادربودن را به مثابه یک وظیفه اجتماعی بصورت درست تفهیم نمایند و به آنها صلاحیت می دهد در مسایل و درک مادربودن مداخله نمایند و بدین ترتیب به آنها اجازه می دهد که به ساحاتی که برای اکثر زنان مهمترین عرصه های زندگی بشمار می آید دست درازی نمایند.

تجارت زنان

ماده ۶ به تجارت زنان ارتباط می گیرد و از کشورهای عضو می طلبد که

کلیه تدابیر لازم بشمول اقدامات تقنینی را جهت ازبین بردن تمام اشکال تجارت زنان و بهره برداری از فاحشه گری زنان اتخاذ نمایند.

در عبارات این ماده کمی ابهام به نظر می رسد. کاملاً روشن نیست که آیا دول به امحای بهره برداری از فحشای زنان و یا امحای خود فحشا موافقه می کنند. تفاوت آن مربوط به شخصی است که از فحشای زنان بهره می گیرد. به گونهٔ مثال، شخصی که از درآمد فحشا امرار معیشت می کند براساس عبارت "بهره برداری از فحشا" مورد سرزنش قرار خواهد گرفت. ولی اگر خود فحشا منع باشد، در آن صورت شخصی که فاحشه گری می کند مورد مجازات قانونی قرار خواهد گرفت.

حقوق سیاسی

ماده ۷ به حقوق سیاسی زنان ارتباط گرفته از کشورهای عضو می طلبد تدابیری را به خاطر امحای تبعیض برضد زنان در زندگی سیاسی و دولتی بخصوص تأمین حقوق ذیل برای زنان در سطح مساوی با مردان اتخاذ نمایند:

(أ) رای دهی در تمام انتخابات و همه پرسپهای عمومی و کاندیدشدن به تمام پستهای که از جانب مردم انتخاب می شود؛

(ب) اشتراک در طرحریزی سیاست حکومت و تطبیق آن و احراز مقام و انجام تمام وظایف دولتی در تمام سطوح حکومت؛

(ج) اشتراک در سازمانها و موسسات غیردولتی مربوط به عرصه های عامه و سیاسی کشور.

برسمیت شناختن حق اشتراک زنان در طرحریزی سیاسی جز سیاست تشویق زنان در امر تحقق حقوق شان که در میثاق تسجیل شده است، به شمار می آید.

نماینده‌گی از حکومت در امور بین المللی

ماده ۸ به موضوع نماینده‌گی زنان از حکومت در امور بین المللی اشاره می کند. به این منظور، این ماده می طلبد که:

کشورهای عضو کلیه تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا برای زنان در سطح مساوی با مردان و بدون هیچ گونه تبعیض این فرصت مساعد شود که از حکومت شان در عرصه بین المللی نماینده‌گی نموده و در کار سازمانهای بین المللی اشتراک ورزند.

هدف از ماده ۸ اینست که کشورهای عضو در انتخاب نمایندگان شان در سطح بین المللی به شمار زنان توجه کنند.

ملیت

ماده ۹ در مورد موضوع ملیت اصل عمومی را بیان داشته از کشورهای عضو می طلبد که به اعطای حق مساوی به زنان و مردان مبنی بر کسب، حفظ یا تغییر ملیت شان موافقه نمایند. فقره (۱) ماده ۹ کشورهای عضو را فرا می خواند که

بویژه تأمین نمایند که نه ازدواج با یک خارجی و نه تغییر ملیت شوهر در جریان ازدواج ملیت زوجه را بگونه خودی تغییر می دهد، ملیت وی را سلب می کند و یا بالای او ملیت شوهر را تحمیل می نماید.

فقره (۲) ماده ۹ به ملیت طفل اشاره کرده و حکم می کند که در صورت انتخاب ملیت طفل، تصمیم گیرنده می تواند هم ملیت پدر و هم ملیت مادر را در نظر گرفته و طفل می تواند هر دوی آنها را کسب نماید.

حق تعلیم و تربیه

ماده ۱۰ به حق زنان مبنی بر تساوی برخورد در عرصه تعلیم و تربیه بوده و مهمترین شاخص فرهنگی زنان بشمار می آید، زیرا بدون آن زنان قادر نیستند از حقوق شان در ساحه کار، در زندگی عامه و یا در خانه استفاده نمایند. علیرغم اهمیت این حق، تعلیم و تربیه عرصه ایست که زنان با تبعیض خیلی عمیق مواجه اند.

میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض برضد زنان در زمینه تعلیم و تربیه زنان موضعگیری خیلی روشن اتخاذ نموده و خواهان استاندارد مساوی در تمام جنبه های موسسات تعلیم و تربیه می باشد.

ماده ۱۰ کشورهای عضو را متعهد می سازد که حقوق ذیل را تأمین نمایند:

- (أ) شرایط مساوی برای راهنمایی مسلک و حرفه، برای دسترسی به تحصیلات و برای کسب دیپلوم در موسسات تحصیلی دارای کتگوریهای مختلف هم در اطراف و هم در شهرها؛ این مساوات در موسسات قبل از مکتب، تدریسات عمومی، تخنیکی، مسکلی و عالی و نیز در تمام تحصیلات حرفوی تأمین می شود؛
- (ب) دسترسی به نصاب درسی مساوی، امتحانات مساوی، آموزگاران دارای سطح تحصیلی مساوی و صنوف و مواد و تجهیزات مساوی درسی؛
- (ج) امحای هرگونه مفکوره کلیشه ئی نقش مرد و زن در تمام سطوح و در تمام اشکال تعلیم و تربیه از طریق تشویق معارف مختلط و سایر انواع تعلیم و تربیه بخاطر نیل به این هدف و بویژه از طریق تجدیدنظر بر کتابهای درسی و برنامه های مکاتب و انطباق میتودهای درسی؛
- (د) امکانات مساوی استفاده از سکالرشپها و سایر بورسهای تحصیلی؛
- (ه) امکانات مساوی برای دسترسی به برنامه های ادامه تحصیل بشمول برنامه های سوادآموزی کلانسالان و وظیفوی، بویژه برنامه های که هدف از آن کاهش تفاوت تعلیمی میان زنان و مردان در نخستین مرحله آن باشد.

- (و) کاهش شمار اخراج شاگردان اناث و تنظیم برنامه ها برای دختران و زنانی که قبل از وقت مکتب را ترک می گویند؛
- (ز) امکانات مساوی بخاطر اشتراک فعالانه در ورزش و تربیت بدنی؛
- (ح) دسترسی به معلومات مشخص تعلیمی بخاطر تأمین صحت و رفاه خانواده ها بشمول معلومات و مشوره در مورد راهنمای خانواده.

میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض برضد زنان کشورهای عضو را متعهد به انجام دو نوع فعالیت می سازد: اول، تأمین تساوی دسترسی به تعلیم و تربیه مساوی و دوم، تطبیق مترقی سیاست های که سرانجام به دگرگونیها در روشهای اجتماعی - سیاسی منجر می شوند.

ازینرو، معارف مختلط نه بخاطر هدف نهائی بلکه به مثابه جز برنامه امحای مفکوره های کلیشه ئی تشویق شود که شامل تجدید نظر به کتابهای درسی و شیوه های تدریسی نیز می شود. میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض برضد زنان از کشورهای عضو می طلبد تا سیاست جدیدی را در پلانگذاری تعلیم و تربیه تطبیق نمایند و تعهد نمایند که از معارف به عنوان وسیله بهبود موقف زنان استفاده می نمایند.

حقوق در محل کار

ماده ۱۱ به امحای تبعیض برضد زنان در عرصه اشتغال است. این ماده از سه بخش تشکیل یافته است: اول، حقوق زنان در اشتغال؛ دوم، تدابیر جهت تأمین حق مؤثر آنها مبنی بر کار از طریق امحای شیوه های تبعیضی بموجب تولد طفل؛ و سوم، قوانین حمایتی کار.

حق کار

بند (الف) فقر (۱) ماده ۱۱ حق کار را به مثابه "حق لایتنجری بشر" تعریف می کند. زنان حق دارند برای خویش اشتغال پولی انتخاب نمایند. ازاین لحاظ، هیچ گونه محدودیتهای بایست در این زمینه بالای آنها وضع نشود.

این بیان موقف حقوقی زنان در رابطه با حق کار شان گام مهمی است در راه تغییر کلیشه و ذهنیت کار برای زنان در تمام جهان. تخمین می شود که دو سوم کار در جهان توسط اناث انجام می یابد. اما مقدار زیاد این کار بدون پول است. کار زنان که خارج از اشتغال باپرداخت انجام می یابد باید به مثابه یکی از پایه های اقتصاد بسیاری کشورها به شمار آید.

فرصتها و امکانات مساوی

بند (ب) فقره (۱) ماده ۱۱ بخش دوم حق کار را تعریف می نماید که عبارت از حق فرصتها و امکانات مساوی در اشتغال بشمول استفاده از معیارهای مساوی حین انتخاب برای استخدام می باشد. حق فرصتها و امکانات مساوی به معیارهای انتخاب در استخدام ارتباط گرفته و از حق دسترسی به آموزش و تریننگ فراتر می رود.

تساوی شرایط هنگام استخدام

بند (ج) فقره ۱ ماده ۱۱ به حق انتخاب مسلک و حق مصئونیت کار و مزایای اشتغال چنین اشاره می کند:

حق انتخاب آزادانه مسلک و اشتغال، حق ترفیع، مصئونیت کار و تمام مزایا و شرایط خدمت و حق دریافت آموزش مسلکی و آموزش مجدد، بشمول کارآموزی، آموزش عالی مسلکی و آموزش راجعه.

میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان در زمینه تعریف گسترده این حق در رابطه با زنان خیلی روشن است.

پرداخت مساوی

بند (د) فقره (۱) ماده ۱۱ حاوی اجرت مساوی، که شامل حقوق مادی می شود، و برخورد مساوی:

درمورد کار دارای ارزش مساوی و نیز تساوی برخورد در ارزیابی کیفیت کار

می باشد. این عبارات مبهم به نظر می رسد و می توان آنرا گسترش داده مزایای غیرپولی از قبیل رخصتی مساوی، حقوق مساوی تقاعد و سایر حقوق دیگری را که به اشتغال ارتباط می گیرد نیز در آن شامل ساخت.

مصئونیت (تأمینات) اجتماعی

بند (ه) فقره ۱ ماده ۱۱ به یک سیستم مصئونیت اجتماعی برای زنانی که بنا بر دلایل مختلف توانائی دریافت کار سودآور را ندارند اشاره می کند از قبیل مواردی چون:

تقاعد، بیکاری، بیماری، معیوبی و کبر سن و سایر عدم توانائی های کار و نیز حق رخصتی با معاش.

این بند تمام زنان را احتوا نکرده به زنانی که در عرصه کار غیرپولی مصروف اند اشاره می کند نه به زنانی که در کار اجرتی مشغول کار اند. محدودیت ماهیت این حقوق به اشتغال در این است که این حقوق در کشورهای دارای اقتصاد پیشرفته که در آن تأمینات اجتماعی و میکانیزمهای فراهم سازی وجوه لازم مالی وجود دارند، سریعتر و سهلتر قابل تطبیق می باشند.

بهداشتی و مصئونیت

بند (ز) فقره (۱) ماده ۱۱ حکم می کند که زنان حق دارند در شرایط مصئون و صحی بشمول حفظ قابلیت تولد کار نمایند.

مادربودن

فقرة (۲) ماده ۱۱ کشورهای عضو را متعهد می سازد تا تدابیر لازم را جهت جلوگیری از تبعیض برمبنای مادربودن و تضمین حق مؤثر کار زنان اتخاذ نمایند. دول موافقه می کنند که عزل و برطرفی برمبنای حاملگی یا رخصتی مادری و یا "تبعیض در عزل و برطرفی براساس حالت مدنی" را منع قرار دهند. آنها موافقه می کنند که سیستم رخصتی مادری با معاش یا حقوق معادل اجتماعی برای زنان را متداول می سازند. آنها موافقه می کنند که زنانی که رخصتی مادری می گیرند استخدام مجدد به کارشان تضمین گردیده و آنها در این مدت ارشدیت کار یا کمکهای اجتماعی را از دست نمی دهند. مزید برآن، دول موافقه می کنند که رشد آن نوع خدمات اجتماعی را که به والدین امکان می دهد مسئولیتهای خانوادگی را با فعالیت اقتصادی تلفیق دهند، تشویق نمایند. در فقر (۲) ماده ۱۲ به گونه مشخص از ایجاد یک سیستم خدمات حمایتی طفل یاددهانی بعمل آمده است. بالاخره، زنان حامله در محلات کاری که به صحت شان مضر تمام می شود، باید مورد حفاظت خاص قرار گیرند.

قوانین حمایتی کار

فقر (۳) ماده ۱۱ حکم می کند که:

قوانین حمایتی در رابطه با مسائل مندرج این ماده منظمأ در روشنی پیشرفتهای علمی و تخنیکی مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت ضرورت تجدید، فسخ یا توسعه می یابند.

حفظ الصحة

در ماده ۱۲ پیشبینی می شود که زنان به خدمات صحی، بشمول رهنمای خانواده دسترسی مساوی داشته و از خدمات خاص حین حاملگی و ولادت، و نیز مواد غذایی کافی حین حاملگی و شیردهی برخوردار می شوند.

سایر حقوق اقتصادی و اجتماعی

در ماده ۱۳ به کلیه حقوق دیگر اقتصادی و اجتماعی که در میثاق پیشبینی نشده اشاره می شود، بویژه:

- (أ) حق کمکهای خانواده
- (ب) حق قرضه بانکی، قرضه رهنی و تعمیراتی و سایر اشکال کربدت مالی
- (ج) حق اشتراک در فعالیتهای تفریحی، ورزشها و تمام جنبه های زندگی فرهنگی.

حقوق زنان دهات

در ماده ۱۴ به حل پروبلمها و چالشهای که زنان اطراف به آن مواجه اند اشاره می شود. فقره (۱) ماده ۱۴ کشورهای عضو را متعهد می سازد تا هم پروبلمهای خاص زنان اطراف و هم نقش مهم آنها در بقای اقتصادی خانواده های شان بشمول کار در عرصه غیرپولی را در نظر بگیرند. علاوه، کشورهای عضو موافقه می کنند تا اقدامات معینی را در جهت تأمین تطبیق احکام میثاق در مورد زنان دهات اتخاذ نمایند.

فقره (۲) ماده ۱۴ کشور عضو را متعهد می سازد که برای زنان اطراف حقوق ذیل را فراهم سازند:

- (أ) اشتراک در تدوین و تطبیق پلانگذاری انکشافی در کلیه سطوح؛
- (ب) دسترسی به تسهیلات مراقبت صحتی کافی بشمول معلومات، مشوره دهی و خدمات رهنمای خانواده؛
- (ج) بهره گیری مستقیم از برنامه های تأمینات اجتماعی؛
- (د) فراگیری تمام انواع آموزشی و تربیوی، چه رسمی باشد یا غیررسمی، بشمول سوادآموزی و نیز منجمله مفاد تمام خدمات محلی و تمدیددی بخاطر ارتقای سطح دانش تخنیکی و مسلکی؛

- (ه) سازماندهی گروهها و کوپراتیفهای خود کمک بخاطر کسب دسترسی مساوی به امکانات اقتصادی از طریق استخدام یا اشتغال شخصی؛
- (و) اشتراک در تمام فعالیتهای محلی؛
- (ز) دسترسی به کریدت و قرضه زراعتی، تسهیلات مارکیتی، استفاده از تکنولوژی و برخورد مساوی در ریفورم ارضی و و زراعت و نیز در برنامه های اصلاحات ارضی؛
- (ح) برخورداری از شرایط کافی زندگی بویژه در رابطه با خانه سازی، حفظ الصحة، انرژی برق و تهیه آب، ترانسپورت و مخابرات.

احکام فوق الذکر در رابطه با زنان دهات مانند احکام حقوق اقتصادی و اجتماعی خصلت برنامه یی دارند. در این احکام اساساً مشی آینده حکومت در پلانگذاری انکشافی تعیین می شود. حق ایجاد کوپراتیفها و دسترسی داشتن به کریدت و قرضه زراعتی براساس شرایط مساوی با مردان می تواند اساس استقلال اقتصادی را برای زنان در کشورهای دارای سطوح مختلف انکشاف مساعد سازد.

حقوق مدنی

گستره حقوق مدنی در قوانین بین المللی حقوق بشر وسیع بوده و همراه با حقوق سیاسی در وجود میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به مثال یک قانون متبلور می گردد. در این میثاق حق زندگی و مصئونیت شخص، حقوق اشخاص در اجراءات محاکم، آزادی اندیشه و عقیده، حق اجتماعات و اشتراک در سازمانها، حق ازدواج و تشکیل خانواده و حق تساوی در برابر قانون به تفصیل بیان شده است. تمام این حقوق به گونه مساویانه برای مردان و زنان تضمین می شود.

ماده ۱۵ میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان با چنین وسعت حقوق فوق الذکر را احتوا نه کرده بلکه روی چهار عرصه ای که زنان معمولاً مورد تبعیض قرار می گیرند مکث می کند.

فقره (۱) ماده ۱۵ حکم می کند که زنان در برابر قانون با مردان مساوی اند. این حکم در نزد زنان متأهل اهمیت خاصی دارد زیرا ممکن است حقوق مدنی آنها هنگام ازدواج متضرر گردد، ولی این

حکم همچنان برای کلیه زنان اهمیت بسزائی دارد زیرا در گذشته برخی سیستم های حقوقی نه همیشه زنان را به عنوان اشخاص حقوقی شناخته اند.

فقره (۲) ماده ۱۵ زنان را در یک موقف برابر حقوقی با مردان دانسته به آنها حق امضای قراردادها و اداره ملکیتها را می دهد و تأکید می کند که با زنان در تمام اجراءات حقوقی در محاکم و دیوانهای جزائی برخورد مساوی مانند مردان صورت گیرد.

قابل یادآوری است که در فقره (۲) ماده ۱۵ صرف حالاتی پیشبینی شده است که سیستم های حقوقی قبلاً موقف افراد را در قبال قرارداد و اداره ملکیت برسمیت می شناسند. به همین جهت است که حق امضای قرارداد یا اداره ملکیت به زنان و مردان به شکل مساوی تفویض می شود. این امر بویژه برای آن سیستمهای حقوقی مهم است که در آن زنان نمی توانند بدون موافقه پدر یا شوهر قراردادی را به امضا برسانند و یا اینکه ملکیت یک زن پس از ازدواج تحت ملکیت شوهر قرار می گیرد. ماده ۱۵ چنین روشها را منع قرار می دهد.

فقره ۳ ماده ۱۵ به آن "قراردادها و تمام موافقات دیگر خصوصی دارای تأثیر حقوقی" که متوجه محدودساختن موقف حقوقی زنان اند، اشاره می کند. چنین قراردادها باید فسخ و قدغن گردند. نوع قراردادی که در این فقره پیشبینی می شود همانا قراردادی است که زن آنرا عقد نموده و موقف حقوقی خویش را به شخص دیگر می دهد. بدین ترتیب، برخی اشکال رسوم و عادات ازدواجی که بوسیله آن به شوهر اجازه داده می شود که ملکیت زن را اداره نماید، ممنوع می باشد. به همین سان، موافقتهای که در برابر وکیل به منظور محدود ساختن صلاحیت زنان به موافقت شوهر در زمینه امضای قرارداد خرید و فروش انعقاد یافته باشد، ممنوع می باشد.

در **فقره (۴) ماده ۱۵** آمده است که زنان در "قانون مربوط به حرکت اشخاص و آزادی انتخاب اقامت و محل رهایش" حقوق مساوی دارند. علی رغم مخالفت و شروط برخی کشورهای عضو به این ماده، در مقدمه میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان این ماده تقویه شده تذکار بعمل آمده است که "تغییر در نقش سنتی مردان و نیز زنان در جامعه و در خانواده برای نیل به تساوی کامل مردان و زنان ضروری می باشد."

قانون خانواده

شامل ساختن احکام مربوط به خانواده در میثاق یک پیشرفت چشمگیری در شناخت بین المللی حقوق زنان به شمار می آید.

فقره ۱ ماده ۱۶ حکم می کند که کشورهای عضو تدابیری را بخاطر رفع تبعیض "در تمام مسائل مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی اتخاذ می نمایند." بخصوص، کشورهای عضو حقوق ذیل را برای مردان و زنان تأمین می کنند:

- (أ) حق مساوی حین ازدواج
- (ب) حق مساوی در انتخاب آزادانه همسر و عقد ازدواج با موافقه آزاد و کامل آنها
- (ج) حقوق و مسئولیتهای مساوی در جریان مدت ازدواج و انحلال آن
- (د) حقوق و مسئولیتهای مساوی به عنوان والدین، بدون در نظر داشت حالت مدنی آنها، در مسائل مربوط به اطفال شان، در تمام حالات منافع اطفال شان اهمیت فوقانی دارد
- (ه) حقوق مساوی در اتخاذ آزادانه و مسئولانه تصمیم روی شمار اطفال و فاصله ولادت و دسترسی به معلومات، آموزش و وسایل اعمال این حقوق شان
- (و) حقوق و مسئولیتهای مساوی در ارتباط با کفالت، سرپرستی، قیمومیت و به فرزندگرفتن اطفال، و یا نهادهای مشابهی که در آن در قوانین ملی چنین روشها وجود داشته باشند؛ در تمام حالات منافع اطفال اهمیت فوقانی دارد
- (ز) حقوق مساوی شخصی به عنوان زن و شوهر، بشمول حق انتخاب نام خانوادگی، مسلک یا وظیفه
- (ح) حقوق مساوی برای هر دو همسر در مورد مالکیت، تصاحب، تنظیم، اداره، استفاده یا ترک ملکیت چه به طور رایگان باشد و یا در برابر ارزش مادی باشد.

اهمیت ماده ۱۶ در این نهفته است که کشورهای عضو را متعهد می سازد روشهای اجتماعی و فرهنگی خویش را در مناسبات زنان و مردان تغییر دهند. قانون خانواده یکی از وسایل تعریف این نقش ها بوده و از این رو تفویض حقوق مساوی به زنان در ساختار خانواده اهمیت بسزائی دارد.

کمیته امحای تبعیض برضد زنان

در مواد ۱۷ - ۲۲ تطبیق میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان توسط کمیته امحای تبعیض برضد زنان پیشبینی شده است. این کمیته متشکل از کارشناسانی است که از جانب کشورهای عضو انتخاب شده و در موقف شخص خویش، نه در صلاحیت دولتی، ایفای وظیفه می کنند؛ هرچند در ترکیب کمیته با در نظر داشت ضرورت تأمین تقسیم مساوی جغرافیائی و نمایندگی از سیستمهای متنوع حقوقی توجه صورت گرفته است.

ماده ۱۷ در باره انتخابات برای کمیته که ۶ ماه پس از تاریخ انفاذ میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان صورت گرفت اشاره می کند.

ماده ۱۸ وظیفه کمیته را در زمینه ارزیابی گذارشات که کشورهای عضو مکلف اند پس از امضای میثاق تهیه می دارند، تعریف نموده و تقسیم اوقات ارائه این گذارشات را تعیین می کند. گذارشات کشورها به سرمنشی سازمان ملل متحد جهت غور و ارزیابی کمیته پیرامون:

اقدامات تقنینی، قضائی، اداری و سایر تدابیری که آنها در جهت تطبیق احکام میثاق کنونی

اتخاذ کرده اند و پیشرفتی که در زمینه صورت گرفته است:

(أ) در طی مدت یک سال پس از انفاذ میثاق در کشور مربوط؛

(ب) و به تعقیب آن حداقل هر چهارسال و سپس هر زمانی که کمیته لازم بداند

فرستاده می شوند.

ماده ۱۹ در مورد اداره کمیته در رابطه با تصویب طرزالعمل و انتخاب کارکنان آن برای مدت ۲ سال تصریح می دارد.

ماده ۲۰ بیان می دارد که کمیته برای مدت حد اعظم دو هفته در سال به منظور ارزیابی و بررسی گذارشات فوق الذکر تشکیل جلسه می نماید.

فقره (۱) ماده ۲۱ حکم می کند که این کمیته از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) به مجمع عمومی سازمان ملل متحد

پیرامون فعالیتهای خویش سالانه گزارش می دهد و می تواند پیشنهادات و سفارشات عمومی را بر مبنای ارزیابی گذارشات و اطلاعاتی که از کشورهای عضو دریافت نموده است ارائه نماید. چنین پیشنهادات و سفارشات توأم باتبصره های که اگر از جانب کشورهای عضو ارائه شده باشد در گزارش کمیته گنجانیده می شود.

در فقره (۱) ماده ۲۱ همچنان آمده است که

سرمنشی سازمان ملل متحد گذارشات کمیته را به کمیسیون موقف زنان جهت اطلاع گسیل می دارد.

ماده ۲۲ به ادارات خاصی که مصروف کار در ساحاتی اند که به عرصه کار شان ارتباط می گیرد اجازه می دهد در نشست کمیته پیرامون ارزیابی تطبیق احکام میثاق اشتراک ورزند.

احکام نهائی

مواد ۲۳ - ۳۰ احکام نهائی میثاق اند. در ماده ۲۳ به رابطه میان میثاق و سایر احکام قوانین داخلی یا قوانین بین المللی حقوق بشر مربوط به موقف زنان اشاره می شود. این ماده حکم می کند که هیچ

چیزی در این میثاق هیچ گونه احکامی را که در راه نیل به تساوی مردان و زنان مفید تر باشد متأثر نه می سازد، چي این احکام داخلی باشد یا جز پیمان یا معاهده بین المللی باشد.

ماده ۲۴ از کشورهای عضو می طلبد تا تمام تدابیر لازم را در تحقق کامل حقوق مندرج میثاق اتخاذ نمایند.

ماده ۲۶ به کشورهای عضو حق می دهد تجدید نظر میثاق را مطابجه نمایند. در پاسخ به چنین درخواست، مجمع عمومی سازمان ملل روی اتخاذ اقدامات در زمینه تصمیم خواهد گرفت.

براساس احکام ماده ۲۸ ارائه شروط در برابر میثاق مجاز است. اما طبق فقره (۲) این ماده شروطی که با هدف و مرام میثاق تطابق نداشته باشد مجاز نیست. بقیه این ماده در مورد طرز العمل مطلع ساختن سرمنشی سازمان ملل متحد برای دریافت و امتناع از شروط می باشد.

ماده ۲۹ حکم می کند که منازعات ناشی از تعبیر و تفسیر و یا تطبیق میثاق از طریق مذاکرات و یا براساس درخواست یکی از طرفین از طریق حکمیت حل و فصل می گردند. در صورتی که یکی از طرفین به حکمیت موافقه ننماید، می تواند قضیه را به محکمه بین المللی عدالت محول سازد. باید خاطرنشان ساخت که این میثاق به هر کشور عضو با صراحت اجازه می دهد شرط خویش را در برابر این ماده ارائه نماید.

ج) پروتوکول اختیاری

بتاریخ ۶ اکتوبر سال ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ارتباط میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان یک پروتوکول اختیاری ۲۱ ماده ای را به تصویب رسانید. یک کشور با امضای این پروتوکول به کمیته امحای تبعیض برضد زنان صلاحیت می دهد تا شکایات اشخاص انفرادی یا گروهها را در چارچوب ساحه مسئولیت خویش کسب و ارزیابی نماید. افغانستان تاکنون این پروتوکول اختیاری را امضا نکرده است.

این پروتوکول دو مرحله دارد:

(۱) مرحله ارائه اطلاعات که به زنان انفرادی یا گروهی از زنان امکان می دهد که ادعاهای مربوط به تخطی های حقوق مندرج در میثاق را به کمیته بسپارند.

پروتوکول حکم می کند که بخاطر اینکه برای اطلاعات انفرادی جهت ارزیابی در کمیته اجازه داده شود بایست یکسلسله معیارها بشمول مراجعه به راه حل های داخلی مراعات گردد.

(۲) این پروتوکول همچنان مرحله تحقیق را بوجود آورده به کمیته امکان می دهد حالات تخطی های وخیم و سیستماتیک حقوق زنان را مورد بازجویی قرار دهد.

در هر دو صورت، کشورها باید عضویت میثاق و پروتوکول را داشته باشند. در این پروتوکول یک فقره اختیاری وجود دارد که به کشورها هنگام تصویب یا الحاق امکان می دهد اعلام بدارند که آنها مرحله تحقیق را نمی پذیرند. ماده ۱۷ پروتوکول واضحاً حکم می کند که هیچگونه شروطی نسبت به مواد آن مجاز نخواهد بود.

پروتوکول اختیاری بتاريخ ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۰ به منصفه اجرا درآمد و تاکنون ۶ تصمیم یا نظر را بتصویب رسانیده است. همچنان کمیته نخستین تحقیق خویش را براساس ماده ۸ پروتوکول اختیاری به ارتباط مکسیکو در سال ۲۰۰۴ خاتمه بخشید.

(د) موارد حقوقی

در کشورهای که نظام قضائی اعتبار داشته و فیصله های حقوقی دارای ارزش مقدم اند، تثبیت حقوق از طریق دعوی قضائی خیلی مؤثر بوده می تواند. هرگاه چنین دعوی قضائی به گونه درست به حیث یک قضیه امتحانی طرحریزی شده باشد، حتی اگر شخص برنده هم نشود ثابت خواهد ساخت که ضرورت به یک قانون بهتر یا قاضیان دیگر احساس می شود. مقصد از عبارت "قضیه امتحانی" قضیه ای است که در آن یک اصل جدید رونما می گردد و یا حقوق یک عده که اکثراً گروه از نظر افتاده یا مظلوم می باشد، تمدید می شود.

یک قضیه واحد امتحانی ممکن است به نقطه اصلی یک دگرگونی مبدل شود. از این لحاظ تبلیغ یکی از مهمترین عناصر یک قضیه امتحانی است، زیرا ارزش این کار بیشتر در تأثیر تربیوی آن بالای مردم و رهبران یک کشور نهفته است.

بوتسوانا: لوی خاړنوال در برابر خانم یونیتی داو

خانم یونیتی داو در قضیه لوی خاړنوال در برابر یونیتی داو در بوتسوانا، علیه قانون تبعیض آمیز تابعیت آن کشور اعتراض نموده و بدین وسیله حکومت را مجبور می سازد به ارزشهای که خود اعلام کرده ولی نتوانسته است آنرا جامه عمل بپوشاند، پاسخ گوید. در این قضیه استدلال روی تفسیر یک حکمی از قانون اساسی بود که چنین حاکی است: "هر فرد در بوتسوانا حق دارد از حقوق و آزادیهای اساسی فرد بدون در نظر داشت جنس ... مستفید گردد."

عارض تبعه بوتسوانا بوده و با یک مرد امریکائی ازدواج کرده است. آنها ۳ طفل دارند که ۲ آنها بعد از تغییر قانون تابعیت آنکشور به دنیا آمده اند. در این قانون پیشبینی شده است که اطفالی که قبل از ازدواج متولد می شوند تنها تابعیت کشور پدر خویش را کسب می کنند. براساس این قانون، اطفال عارض اجازه داشتند صرف با داشتن اجازه رسمی اقامت که بایست از جانب پدر شان تقاضا شود و در فاصله های پیهم تمدید گردد در کشور زادگاهی خویش زندگی کنند. همچنان حسب این قانون این

اطفال اجازه نداشتند در پوهنتون رایگان شامل شوند و یا در انتخابات سهم بگیرند. عارض تصور کرده نمی توانست که چگونه ممکن است با آنها کشور را موقتاً یا دائماً ترک بگوید، زیرا براساس قانون کشور اطفال مربوط به پدر بوده و باید با پاسپورت وی یا با خود وی مسافرت نمایند. افزون برآن، اگر شوهر عارض بخواهد تابعیت بوتسوانا را بدست آورد، شرایط آن نسبت به همسر خارجی یک مرد بوتسوانائی خیلی دشوارتر است.

عارض در دعوی خویش ادعا می کند که قانون تابعیت با قانون اساسی کشور در تضاد قرار دارد. وی مدعی است که قانون تابعیت به وی صلاحیت نمی دهد تا حقوق تابعیت را به اعضای فامیل خویش تفویض نماید، در حالی که مردان اجازه دارند چنین کار را انجام دهند. از این جهت، این قانون وی را مورد تبعیض قرار داده است زیرا حق حمایت غیرتبعیضی قانون و حق آزادی وی را سلب کرده است.

لوی څارنوال دلیل می آورد که قانون اساسی باید در روشنی واقعیت معاصر اجتماعی تفسیر گردد و برخورد با یک زن به عنوان ضمیمه شوهر مطابق با واقعیت معاصر اجتماعی می باشد زیرا جامعه بوتسوانا فطرتاً یک جامعه محافظه کار و تبعیضی است. محکمه به این عقیده بود که قانون تابعیت برضد قانون اساسی است زیرا در تبعیض برضد زنان قرار داشته آنها را از آزادیهای اساسی شان چون آزادی مسافرت و رهائی از برخورد حقارتگرانه محروم می ساد.

در این جا کاربرد موازین بین المللی حقوق بشر در تفسیر قانون اساسی دشوار بود زیرا بوتسوانا هیچ یک از معاهدات بین المللی حقوق بشر به جز منشور حقوق بشر و مردم افریقا را امضا نکرده بود. محکمه این مشکل را از طریق استناد به حکم الحاق در مقدمه منشور افریقا و امضای بوتسوانا در پای اعلامیه امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان که منادی میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان می باشد، حل نمود.

فیصله محکمه به مرافعه و تجدید نظر کشید و در سال ۱۹۹۲ محکمه مرافعه فیصله محکمه را مورد تأیید قرار داد. بدین ترتیب، قضیه عارض که یک امتحان عمدی تضمینهای مندرج قانون اساسی بود ثابت ساخت که در یک دموکراسی مدرن زنان باید بخاطر اتخاذ تصامیم مؤثر درباره زندگی خود و خانواده شان صلاحیت مساوی با مردان داشته باشند.

هند: قضیه شاه بانو

در سال ۱۹۷۵ شوهر شاه بانو خانم اش را پس از چهل سال ازدواج از خانه بیرون می راند. وی در آغاز به وی یک مقدار پول ناچیز به عنوان نفقه می دهد و بعدها آنرا نیز قطع می کند. در سال ۱۹۷۸ شاه بانو بخاطر جلوگیری از آواره گی خویش حسب قانون اجراءات جزائی هند اقامه دعوی نموده طالب نفقه ماهانه ۵۰۰ روپیه می گردد. در حالیکه اقامه دعوی او جریان داشت شوهرش وی را طلاق می دهد. وی محر اورا که بالغ به ۳۰۰۰ روپیه می شد و هنگام ازدواج به عنوان جیز دریافت کرده بود مسترد ساخته و از پرداخت نفقه اباً می ورزد.

قاضی براساس قانون جزای هند به شوهرش حکم می کند که به وی ماهانه ۲۵ روپیه بپردازد. محکمه اعلی این پرداخت ماهانه را به ۱۷۹،۲۰ روپیه ارتقا می دهد. ولی شوهر موافقه نکرده مرافعه طلب می شود. وی ادعا می کند که او یک مسلمان بوده و مسایل ازدواج اش براساس قانون اسلامی تنظیم می شود. وی همچنان مدعی است که براساس قانون اسلام، شوهر مکلف نیست نفقه بپردازد بلکه صرف محر را مسترد می کند. وی استدلال می کند که در این زمینه قانون اسلام بالاتر از قانون اجراءات جزائی می باشد.

در سال ۱۹۸۵ ستره محکمه مرافعه طلبی شوهر را رد نموده فیصله می کند که حکم جلوگیری از آوارگی با قواعد نفقه اسلامی در تناقض نه می باشد. هرگاه زن طی مدت سه ماه عدت (تفریق اولی قبل از طلاق) نتواند نفقه خویش را خودش تأمین کند، می تواند به اقامه دعوی جزائی بپردازد.

قضیه شاه بانو پرچنگالتترین قضیه دهه در هند بشمار آمده برملا ساخت که کشورهای جنوب آسیا حین رشد حقوق زن به عنوان حقوق بشر با چه پروبلهما و دشواریهای عظیم مواجه اند. ماده ۱۶ میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان در این مورد صدق می کند؛ این ماده ایست که هند هنگام امضای این میثاق در سال ۱۹۸۰ آنرا مشروط گذاشت. در زمانی که این قضیه جریان داشت هند در سطح بین المللی مکلف به این میثاق نبود. هند در سال ۱۹۹۳ این میثاق را بدون شروط به تصویب رساند و اکنون متعهد به تمام متن میثاق می باشد.

ه) نتیجه گیری

هدف از میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان همانا از بین بردن تمام اشکال تبعیض بر ضد زنان است صرف نظر از این که چه وقت و در کجا باشد. علاوه بر آن، مرام این میثاق این است که در تمام جهان چنان یک جامعه ای به وجود آید که در آن با زنان مساوی با مردان رفتار شود، جامعه ای که در آن رسوم و تعصبات سنتی مورد سوال قرار گیرد و اشکال نوین مساویانه رفتار و سلوک به وجود آید. سعی شده است که در این میثاق نه وجایب خاص، بلکه اصول عام تسجیل یابد.

تحقق تمام اصولی که در میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان بیان شده اند مستلزم پیشبرد مشی و برنامه ها در سطح قوانین ملی بمنظور تأمین تطبیق مؤثر چنین اصول می باشد. میثاق از کشورهای عضو خواهان تعهد وسیع به حقوق زنان و وارد کردن تغییرات در ساختار کلیه جوامع می باشد. هرگاه این کشورها وجایب خویش را جداً در نظر بگیرد، میثاق ممکن است باعث ایجاد بسا پالیسیها و دگرگونیهای نوین خواهد شد. این میثاق به عنوان یک وسیله خوب برای زنان در مبارزه شان بخاطر نیل و به رسمیت شناختن حقوق شان مبدل خواهد شد.

میثاق امحای کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان، حقوق زنان را به گونه های متعدد رشد می دهد. این سند عرصه های را که در آن تبعیض بر ضد زنان تا حدود زیاد حاکم است و زنان بیش از همه به تضمینهای لازم ضرورت دارند بر ملا می سازد. در این سند همچنان سعی شده است درز و تفریق میان عرصه عامه و عرصه شخصی را که در حقوق بین الدول به نظر رسیده از طریق تأکید بر حقوق مساوی زنان در اشتراک شان در ادارات تصمیم گیرنده دولتی در تمام سطوح و تأیید حق تساوی زنان در داخل خانواده رفع نماید.

فصل سوم: حقوق طفل

الف) مقدمه

به رسمیت شناختن حقوق اطفال در قوانین بین المللی حقوق بشر یک انکشاف تاریخی است. جامعه بین المللی موازینی را پیرامون حقوق طفل که بازتاب انواعی از عنعنات فرهنگی بوده و یک دسته از حقوق بی همتا را در یک پیمان واحد شامل می شود به تصویب رسانیده است. به این ترتیب، تعهد خویش را نسبت به اطفال اظهار داشته و قابلیت دید آنها را در عرصه های بین المللی و دیپلماتیک ارتقا بخشیده است.

در حقوق بین الدول، اطفال به مثابه موجودات خودمختار و اشتراک کنندگان جامعه و سیتعر به شمار می آیند. آنها از حقوقی که مستقل از واحد خانوادگی آنها بوده و نیز حقوق اشتراکی ایکه سنتاً با طفولیت ارتباط ندارند از قبیل آزادی گردهمائی، بیان و مذهب برخوردار اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد میثاق حقوق طفل را در سال ۱۹۸۹ بتصویب رسانید. این میثاق هدف دوگانه دارد: نخست، جمعبندی کلیه اسناد حقوق بشر مربوط به طفل در یک سند واحد؛ دوهم، تأکید بر حق طفل در تساوی کامل استفاده از این حقوق. انواع حقوق در میثاق فوق الذکر خیلی زیاد بوده تمام جنبه های زندگی طفل و مراحل مختلف رشد طفل را احتوا می کند.

میثاق حقوق طفل دارای ۵۴ ماده بوده و ۴۰ ماده آن به احکام اساسی ارتباط داشته که حسب آن کشور های عضو موافقه می کنند حقوق طفل را در عرصه های مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تضمین کنند. ماهیت معنوی این میثاق در این امر نهفته است که اطفال با کلانسالان ارزش مساوی دارند و این موضوع در تمام ماده های این میثاق تجلی می یابد.

این میثاق الی ماه ماچ سال ۲۰۰۷ از جانب ۱۹۳ کشور که بزرگترین رقم در جمله معاهدات حقوق بشر بشمار می آید، به امضا رسیده است و جامعترین معاهده واحد در عرصه حقوق بشر می باشد. امضای این میثاق مستلزم تجدید نظر قوانین ملی به منظور تطابق آن با احکام این معاهده بین المللی می باشد.

افغانستان بتاريخ ۲۷ اپریل سال ۱۹۹۴ این کنوانسیون را به امضا رساند و بلافاصله اعلامیه ذیل را صادر نمود:

"حکومت جمهوری افغانستان این حق را به خود حفظ می کند که حین تصویب این میثاق شروط خویش را نسبت به تمام احکام میثاق که با قوانین شریعت اسلامی و قوانین نافذه کشور مطابقت نداشته باشد، اظهار نماید."

این میثاق کلیه ساحات عنعنوی حقوق بشر چون حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را احتوا کرده و روی چهار نکته ذیل تاکید می کند:

- اشتراک اطفال در تصامیمی که برسرنوشت خودشان تاثیر میگذارد؛
- حمایت اطفال در برابر تبعیض و تمام اشکال بی توجهی و بهره گیری؛
- جلوگیری از لطمه و ضرر به طفل؛
- بذل مساعدت برای نیازمندی های اساسی اطفال.

این چهار نکته حین استفاده از موازین بین المللی در مورد حقوق طفل تکمیل کننده یکدیگر بوده همه دارای مبرمیت مساوی می باشند هرگاه بگونه مناسب بکارگرفته شوند.

ب) میثاق حقوق طفل

حقوق مندرج میثاق حقوق طفل در اینجا براساس موضوع مورد بحث قرار خواهد گرفت زیرا برخی از مواد این میثاق خودمحتوا نبوده با مواد دیگر ارتباط می گیرند.

حالت طفل

ماده ۱ طفل را تعریف نموده و بر اساس هدف این میثاق بیان می دارد که

طفل عبارت از هر انسان ای است که سن کمتر از هژده داشته باشد مگر اینکه بموجب قانون موضوعه به ارتباط اطفال، وقت تر به سن بلوغ میرسند.

در رابطه با نقطه آغاز طفولیت این میثاق بیان نمی دارد که آیا طفولیت از زمان تولد و یا از زمان القاح آغاز می شود. در رابطه با ختم دوره طفولیت این میثاق از خود انعطاف پذیری نشان داده فرض می شود که کشور های عضو اجازه ندارند سن بلاغت را غیرموجه پائین تعیین کنند تا از تعهدات خویش ناشی از این میثاق طفره روند. ماده ۱ مسئولیت توجیه حالاتی را که حد کمتر سن تعیین شده بتواند، بدوش دولت می گذارد.

فقرة ۱ ماده ۲ حکم غیرتبعیضی را برای کشورهای عضو فراهم ساخته از آنها میطلبد که حقوق هر طفل را آنسانیکه در میثاق بیان شده است، بدون هیچگونه تبعیض

بدون درنظرداشت نژاد، رنگ جلد، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا گرایش دیگر، منشأ ملی، نژادی یا اجتماعی، ملکیت، معیوبیت، تولد یا حالت دیگر وی یا والدین وی و یا قیم وی

احترام و تامین نمایند.

مزید برآن، در فقره ۲ ماده ۲ از کشورهای عضو خواسته می شود تمام تدابیر لازم را بخاطر حفظ طفل در برابر تمام اشکال تبعیض یا مجازات که

بر مبنای موقف، فعالیت، نظریات یا عقاید والدین، قیم قانونی یا اعضای خانواده طفل

باشد، اتخاذ نمایند.

بهترین منافع طفل

ماده ۳ بخش اساسی میثاق بوده حکم می کند که در کلیه اقدامات مربوط به طفل، بهترین منافع طفل در "محرقات توجه" قرار می گیرد.

در فقره ۱ ماده ۳ آمده است:

در کلیه اقدامات مربوط به طفل، چه از جانب نهادهای عامه یا شخصی رفاه اجتماعی، محاکم، مقامات اداری یا ادارات قضائی انجام می یابد، بهترین منافع طفل در محرات توجه قرار می گیرد.

فقره ۱ ماده ۳ نشان می دهد که بهترین منافع طفل نه همیشه یگانه عامل برجسته ای است که باید در نظر گرفته شود. به گونه مثال، ممکن است میان اطفال، میان گروههای مختلف اطفال و میان اطفال و کلانسالان منافع متضاد یا متناقض حقوق بشر وجود داشته باشد. علی رغم این منافع متناقض بهترین منافع طفل بایست بر ملا شده و به آن توجه اساسی مبذول گردد.

حد اعلى منابع دست داشته

ماده ۴ برای کشورهای عضو اقداماتی را جهت تطبیق حقوق مندرج میثاق بدست می دهد. این ماده واضحاً تدابیری را بمنظور تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا حد امکان و توان شان و در صورت لزوم در چارچوب همکاری بین المللی یادآور می شود.

خانواده

ماده ۵ توجه کشورهای عضو را به عامل بالقوه خانواده گسترده و جامعه همراه با مسئولیت ها، حقوق و وجایب والدین معطوف داشته از آنها میطلبد که دساتیر و راهنمایی لازم را در تعمیم حقوق طفل به نحوی که با رشد ظرفیت های طفل مطابقت داشته باشد فراهم سازند.

حق زندگی

ماده ۶ میثاق حقوق طفل حق ذاتی طفل مبنی بر زندگی را به رسمیت شناخته حکم می کند که

۱. کشورهای عضو درک می کنند که هر طفل حق ذاتی به زندگی دارد.
۲. کشورهای عضو بقاء و رشد طفل را تا اعظمی ترین حد ممکن تأمین می نمایند.

هرچند حق زندگی در دیگر معاهدات بین المللی حقوق بشر بازتاب یافته است، ولی به صورت یک میثاق از نقطه نظر طفل مجدداً به رشته تحریر درآمد تا که حق بقاء و رشد طفل و حق کشته نشدن نیز در آن شامل ساخته شود. عباراتی که در فقره (۲) ماده ۶ بکارگرفته شده واضح می سازد که کشورهای عضو این میثاق در ساحة مسئولیت خویش گامهای مثبتی را در راه افزایش هرچه بیشتر امکان بقاء و رشد طفل بردارند.

بخاطر حمایت حق ذاتی طفل به زندگی، کشورهای عضو بایست اقداماتی را از قبیل فراهم ساختن غذای مغذی و آب پاک آشامیدنی، منع جزای اعدام، و جلوگیری از اعدامهای ماورای قضائی چون

اعدام خودسرانه و دسته جمعی و ناپدیدشدن تحیملی آنها اتخاذ نمایند. علاوه بر آن، برای کشورهای عضو میثاق ضروری خواهد بود که تدابیر مؤثری را در جهت حمایت اطفال در برابر تأثیرات منفی منازعات مسلحانه و ایجاد امکانات احیای مجدد برای اطفالی که قربانی این منازعات می شوند اتخاذ نمایند.

هویت

فقره (۱) ماده ۸ میثاق حقوق طفل به کشورهای عضو وظیفه می دهد که به حق طفل مبنی بر

حفظ هویت وی بشمول ملیت، اسم و ارتباطات خانوادگی او طوری که در قانون پیشبینی شده بدون مداخله غیرقانونی احترام بگذارند.

فهرست مشخص عناصر اساسی حفظ هویت طولانی نبوده و در این میثاق در جای دیگری تعریف نشده است.

فقره ۲ ماده ۸ پیشبینی می کند که هرگاه اطفال از بخشی یا کلیه عناصر هویت شان "به گونه غیرقانونی محروم ساخته شده باشند"، کشورهای عضو مکلف اند مساعدت و حمایت لازم را در جهت تثبیت سریع هویت شان مبذول بدارند. کلمه "غیرقانونی" نکته اساسی این ماده بوده هم در حالتی که سلب هویت براساس قوانین داخلی غیرقانونی باشد و هم در حالتی که سلب هویت مغایر حقوق بین الدول باشد صدق می کند.

ماده ۹ روی یک حق ویژه حمایتی طفل در مورد حفاظت اطفالی که از خانواده های شان جدا شده باشند، تماس می گیرد. این ماده حکم می کند که کشورهای عضو سعی می نمایند که طفل مخالف آرزو و اراده شان از والدین شان جدا ساخته نشوند به استثنای حالاتی که ادارات ذیصلاح به این عقیده باشند که چنین جدائی با درنظرداشت مرور قضائی و مطابق به قوانین و مقررات نافذ برای بهترین منافع طفل ضروری می باشد. هنگامی که محاکم، نهادهای رفاهیت یا مقامات اداری به موضوعات اطفال رسیدگی می نمایند باید بهترین منافع طفل در محراق توجه شان باشد.

حقوق سهمگیری و اشتراک

در مواد ۱۲-۱۶ روی حقوق سهمگیری و اشتراک تأکید شده است که عبارت اند از آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی انجمن و اجتماع و حق محرمیت شخصی.

در ماده ۱۲ میثاق حقوق طفل اصل عمده حق استماع طفل تسجیل یافته است:

۱. کشورهای عضو به کودکی که توانائی اظهار نظریات خویش را داشته باشد حق می دهد این نظریات را آزادانه در تمام مسائل مربوط به طفل بیان نماید، و مطابق به سن و پختگی طفل به این نظریات ارج لازم معطوف می دارند.
۲. به این منظور، برای طفل خاصاً امکان داده می شود تا صدایش در اجراءات قضائی و اداری ای که مربوط به طفل باشد، چه مستقیم یا از طریق نماینده او یا یک اداره ذیصلاح به طریقی که با مقررات اجرائی قوانین ملی سازگار باشد، استماع گردد.

فقره (۱) ماده ۱۲ کشورهای عضو را موظف می سازد تا اطفال را در تصامیمی که مربوط به اطفال می شوند سهم سازند. این ماده امکان عملی بهبود حمایت حقوق اطفال را به دست می دهد. بنابراین، این امر به معنی آن نیست که طفل حق خودارادیت داشته باشد بلکه هدف از آن این است که وی حق دارد در مرحله تصمیم گیری سهم داشته باشد. متعهد ساختن کشورهای عضو به "تأمین" حق آزادی بیان به اطفال تلاشی است در جهت اقناع این کشورها تا پروسه های تصمیم گیری خویش را طوری تنظیم و عیار سازند که اطفال نیز در آن اشتراک کرده بتوانند.

این شکل سهمگیری اطفال باید واقعی باشد و صرف به شکلیات خلاصه شده نمی تواند. علاوه برآن، هر قدر کودک جوانتر و پخته تر شود به همان پیمان به نظریات وی ارج بیشتر گذاشته می شود. به گونه مثال، به نظریات نوجوانان باید در جریان اجراءات جزائی مربوط به حال شان اهمیت خاصی مبذول گردد.

فقره (۲) ماده ۱۲ یک دسته گسترده ای از دادرسیها و اتخاذ تصمیم رسمی مربوط به طفل مثلاً در عرصه های تعلیم و تربیه، صحت، پلانگذاری، محیط زیست و غیره را احتوا می کند. در حقوق بین الدول حق آزادی بیان حق جدید نیست. علاوه برآن، به شکل عنعنوی حق آزادی بیان به طفولیت ارتباط ندارد. در جریان تسوید میثاق حقوق طفل کشورهای تدوین کننده میثاق اهمیت این حق برای اطفال را برجسته ساخته معترف بودند که اطفال به معاونت اضافی بخاطر تعمیم این حق شان نیاز دارند.

فقره (۱) ماده ۱۳ حق آزادی بیان طفل را چنین تعریف می کند:

آزادی جستجو، کسب و انتقال معلومات و اندیشه های متنوع بدون در نظر داشت مرزها، چه شفاهی، کتبی یا چاپی، به شکل هنر، یا از طریق هر رسانه دیگر مورد انتخاب طفل.

به ارتباط انتخاب رسانه ها که بعداً در ماده ۱۷ روی آن بحث خواهد شد، کشورهای عضو میثاق براساس فقرة (۱) ماده ۱۳ وجیهه دارند برای اطفالی که قادر به تشکیل نظریات خویش اند زمینه آنرا مساعد سازند تا آنها نظریات خویش را آزادانه در تمام مسایل مربوط به طفل بیان نمایند، و به این نظریات مطابق به سن و پختگی اطفال ارج لازم بگذارند. به عباره دیگر، کشورهای عضو باید سطح عالی حفظ این حق را برای اطفال تأمین نمایند تا آنها از حق آزادی بیان خویش از طریق رسانه دلخواه خویش که حتمی نیست شفاهی باشد، استفاده نمایند.

فقره (۲) ماده ۱۳ حکم می کند که حق آزادی بیان طفل ممکن است محدودیتهای نیز داشته باشد که عبارت اند از:

۱. بخاطر احترام به حقوق و آبروی دیگران؛ یا
۲. بخاطر حراست از امنیت ملی یا نظم عامه، یا حفظ صحت و اخلاق عامه.

هرگاه کشورهای عضو سعی کنند محدودیتهای را بر فقرة (۱) ماده ۱۳ وضع نمایند، در فقرة (۲) ماده ۱۳ پیشبینی می شود که این محدودیتهای باید بر اساس احکام قانون صورت گیرد. آنها صرف به منظور

یکی از اهداف این میثاق وضع شده می توانند و باید به مثابه محدودیتهای که برای یکی از این اهداف در نزد کشور عضو "ضروری" باشد، توجیه گردد.

میان حق آزادی بیان (ماده ۱۳) و حقوق آزادی انجمن و اجتماع صلح آمیز (ماده ۱۵) یک ارتباط وجود دارد، هرچند این حقوق در ماده های جداگانه تسجیل یافته اند. حق آزادی انجمن و حق آزادی اجتماع صلح آمیز به طفل حق اشتراک در فعالیت گروهی را می دهد. در حالی که احکام ماده ۱۵ بشمول محدودیتهای ان روی احکامی تأکید می کند که در دیگر معاهدات جهانی و منطقه ئی حقوق بشر نیز به مشاهده می رسد، ولی اهمیت شامل ساختن آنها در میثاق حقوق طفل در این است که کشورهای عضو را مجبور می سازد تا این حقوق را در رابطه با اطفال در نظر گیرند.

شامل ساختن مواد ۱۳ و ۱۵ در میثاق که حاوی ادعاهای اطفال مبنی بر حقوق مدنی و سیاسی می باشد برای قوانین بین المللی حقوق بشر امکان میدهد تغییراتی را تشویق نماید تا به سهمگیری اطفال در زندگی جامعه ارزش قائل گردد.

حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب برای کلانسالان و اطفال از کرامت و ارزش فطری انسان ناشی می شود که در قوانین بین المللی حقوق بشر تسجیل یافت است.

فقره (۱) ماده ۱۴ میثاق حقوق طفل حکم می کند:

کشورهای عضو حق طفل مبنی بر اندیشه، عقیده و مذهب را احترام می کنند.

هدف شامل ساختن این اصل در میثاق حقوق اطفال جلب توجه کشورهای عضو به این امر است که اطفال نیز قادر اند به گونه مستقیم از این حق مستفید و بهره مند گردند.

فقره (۲) ماده ۱۴ کشورهای عضو را مؤظف می سازد تا:

به حقوق و وجایب والدین و قیم قانونی طفل در صورتی که موجود باشد، احترام بگذارند، طفل را در راه تعمیم حقوق اش متناسب با ظرفیتهای رشدیابنده طفل رهنمون شوند.

فقره (۲) ماده ۱۴ مشخصاً به اصل عام رشد ظرفیتهای طفل که در ماده ۵ میثاق حقوق طفل به مشاهده می رسد ارتباط می گیرد. محول ساختن وظیفه احترام به حقوق و وجایب والدین درباره راهنمایی طفل مطابق به ظرفیتهای رشدیابنده وی به دوش کشورهای عضو به معنای این است که این کشورها وظیفه دارند این حقیقت را بشناسند که صلاحیت والدین در امر راهنمایی طفل با بزرگ شدن طفل کاهش می یابد. این ماده ایست که بسیاری کشورها نسبت به آن شرایط خویش را ارائه کرده اند.

یکی از ساحاتی که دران اطفال حقوق مندرج ماده ۱۴ را تعمیم می کنند همانا امتناع آنها زیر عنوان "معترضین عقیدتی" از خدمت عسکری است. تعریف یک معترض عقیدتی قرار ذیل است: شخصی که واجد جلب خدمت عسکری بوده ولی بنابر دلایل عقیده یا اعتقاد عمیق مذهبی، اخلاقی، معنوی، بشری، فلسفی، سیاسی و دلایل مشابه دیگر از انجام خدمت نظامی ابا می ورزد.

در میثاق حقوق طفل حداقل سن برای خدمت در نظام ۱۵ ساله تعیین شده و کشورهای عضو مکلفیت دارند که هنگام جلب و احضار جوانان بین سنین ۱۵ الی ۱۸ نخست آنانی را که سن بلندتر دارند جلب نمایند (ماده ۳۸). از این رو، حق طفل مبنی بر شناختن وی به عنوان معترض عقیدتی در حصه اطفالی دارای سنین ۱۵ الی ۱۸ در کشورهای ایکه جلب و احضار پائینتر از سن ۱۸ باشد، اطلاق می شود.

حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب هم برای کلانسالان و هم برای اطفال مطابق حقوق بین الدول تابع هیچ گونه محدودیتها نبوده و حتی در حالات اضطراری نیز محدود شده نمی تواند.

فقره (۳) ماده ۱۴ به کشورهای عضو اجازه می دهد محدودیتهای ایرا بر آزادی مذهبی و عقیدتی طفل وضع کنند، ولی

تنها محدودیت‌های که در قانون تسجیل شده و بخاطر حفاظت امن و نظم عامه، صحت یا اخلاق اجتماعی و یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران لازم و ضروری باشد.

این فقره با فقره های دیگر مبنی بر محدودیت‌های که در میثاق حقوق طفل و سایر اسناد بین المللی به مشاهده می رسد مشابهت دارد. فرق آنها در این است که فقره (۳) ماده ۱۴ به محدودیتها تنها به منظور حفظ امن عامه و نه بخاطر دلایل امنیت ملی اجازه می دهد.

فقره (۱) ماده ۱۶ حق محرمیت شخصی طفل را پیشبینی می کند، طوری که

هیچ طفل در معرض مداخله خودسرانه و غیرقانونی در زندگی شخصی، خانوادگی، منزل یا مراسلات و نه در معرض حملات غیرقانونی بر عزت و آبروی وی قرار می گیرد.

فقره (۱) ماده ۱۶ حکم می کند که هرگاه این حق مورد مداخله یا حمله واقع شود، طفل حق دارد که در برابر چنین مداخله و حملات مورد حفاظت قانون قرار گیرد.

رسانه ها

در ماده ۱۷ نقش رسانه های گروهی در امر آموزش اطفال و انعکاس نظریات و اندیشه های آنها تسجیل یافته است. این ماده حکم می کند که

کشورهای عضو وظیفه خطیر رسانه های گروهی را درک نموده و تأمین می کنند که طفل به معلومات و مواد منابع متنوع ملی و بین المللی، بویژه مطالب مربوط به ارتقای سطح رفاه اجتماعی، معنوی و اخلاقی و صحت جسمانی و روانی وی دسترسی می یابد.

در میثاق حقوق طفل رسانه ها به مثابه وسیله مؤثر آموزشی تلقی شده و کشورهای عضو تشویق می شوند تا معلوماتی را که اهداف آموزشی کشورهای عضو را تکمیل نماید، تبلیغ و پخش نماید. علاوه بر آن، در ماده ۱۷ مطالبه می شود که

- (د) ... رسانه های گروهی باید به نیازمندیهای زبانی طفل که به یک گروه اقلیت یا طایفه بومی تعلق داشته باشد توجه خاص مبذول بدارند؛ و
- (ه) ... رهنمودهای لازم را با در نظر داشت مواد ۱۳ و ۱۸ برای حمایت طفل از معلومات و موادی که به رفاه وی مضر باشد، تدوین نمایند.

مسئولیت‌های والدین

فقره (۱) ماده ۱۸ وجبیه کشورهای عضو می داند تا سعی نهائی بخرج دهند تا اصل ذیل را کاملاً درک نمایند که

هم پدر و هم مادر هر دو در قبال پرورش و رشد طفل مسئولیت‌های مشترک دارند. والدین و یا قیم قانونی، در صورتی که وجود داشته باشد، در برابر تربیه و پرورش طفل مسئولیت اساسی دارند. علاقه مندی اساسی آنها باید تأمین بهترین منافع طفل باشد.

اطفال دارای نیازمندیهای خاص

در حقوق بین الدول اطفال دارای نیامندیهای خاص گروه های از اطفالی را تشکیل می دهند که بنابر موقف شان به عنوان اطفال و بنابر سایر عوامل دیگر از قبیل پناهنده بودن، معلولیت و جدائی موقتی یا دایمی از خانواده های شان خیلی آسیب پذیر اند.

این گروه اطفال از دیگر کودکان بخاطری تفکیک می شوند که اینها نیازمندیهای خاصی دارند که باید رفع شود تا آنها بتوانند از تعمیم حقوق شان مندرج میثاق حقوق اطفال مستفید شوند. این گروه ها اطفال پناهنده اند و یا اطفال بدون خانواده که پناهنده شده اند.

فقره (۱) ماده ۲۲ میثاق حقوق اطفال در باره اطفال پناهنده اشاره نموده پیشبینی می کند که

کشورهای عضو اقدامات لازم را بخاطر این اتخاذ می نمایند که طفلی که خواهان موقف پناهنده می شود و یا براساس قوانین و طرزالعمل مربوطه بین المللی و یا ملی به حیث پناهنده پنداشته می شود، صرف نظر از این که والدین وی یا شخصی دیگری با او همراه است یا خیر، مورد حمایت لازم و مساعدت بشری قرار می گیرد تا از حقوق مربوطه مندرج میثاق حقوق طفل و سایر اسناد و قوانین بین المللی حقوق بشر که کشورهای مذکور عضویت آنرا دارند، برخوردار گردد.

در میثاق حقوق طفل به این مطلب توسعه داده شده، تساوی اطفالی که به عنوان پناهنده شناخته شده اند و تعمیل حقوق اطفالی که خواهان پناهندگی می شوند پیشبینی شده است.

کمیشنری عالی سازمان ملل متحد برای پناهنده گان در سال ۱۹۹۴ سندی را به نام رهنمودهای اطفال پناهنده^{۲۱} تدوین نمود که در آن گفته شده که اطفال ممکن است هراس خویش را متواتر از کلانسالان اظهار نمایند، و سفارش شده که تاجائی که امکان داشته باشد آنانی که موقف طفل را ارزیابی می کنند باید سابقه فرهنگی و زبان مادری مساوی با طفل داشته باشند.

در این رهنمودها مشکلات ناشی از تثبیت موقف پناهنده گان بویژه اطفال برملا گشته و از این رو خواسته می شود که اصل مزیت تردید در مورد تصمیم روی موقف مهاجر اطفال به گونه لیبرال به کار گرفته شود. در مواد ۱۲ و ۱۳ میثاق حقوق طفل در رابطه با تعیین موقف پناهنده گی طفل، رهنمای فوق الذکر مورد تأیید بیشتر قرار گرفته روی حق آزادی بیان طفل که در مورد اطفال مهاجر نیز به پیمانۀ مساوی صدق می کند، تأکید می شود.

پناهنده گان خوردسال بدون همراه، گروهی را تشکیل می دهند که تابع حمایت بیشتر حقوقی می باشند. یک مهاجر خوردسال بدون همراه عبارت از طفلی است که از پدر و مادرش جدا ساخته شده و مورد حمایت هیچ شخص کلانسالی که قانوناً یا عرفاً مسئولیت او را بدوش بگیرد، قرار نمی گیرد. در میثاق حقوق طفل از کشورهای عضو خواسته شده تا به حقوق پناهنده گان خوردسال بدون همراه توجه بیشتر نمایند.

^{۲۱} برای متن کامل مراجعه شود به: <http://www.unhcr.org/protect/PROTECTION/۳b۸۴c۶c۶۷.pdf>

در فقره (۲) ماده ۲۲ آمده است که کشورهای عضو بنابر لزوم دید خویش به سازمانهای بین الحکومتی و غیر حکومتی همکاری نمایند تا

چنین طفل را حمایت و کمک نموده و والدین یا دیگر اعضای خانواده طفل مهاجر را به منظور دریافت معلومات بخاطر متحدساختن مجدد او با خانواده اش جستجو کنند. در حالاتی که والدین و سایر اعضای خانواده پیدا نشوند از طفل مانند هر طفل دیگری که به شکل دائمی یا موقتی از محیط خانوادگی اش بنابر هر دلیلی محروم ساخته شده باشد مطابق به احکام این میثاق حمایت مساوی صورت می گیرد.

کشورهای عضو میثاق باید در زمینه کسب معلومات بخاطر وحدت مجدد خانواده همکاری نمایند. مراحل وحدت مجدد خانواده که در فقره (۱) ماده ۱۰ تسجیل یافته حاکی است:

تقاضای طفل یا والدین او مبنی بر دخول یا خروج از یک کشور عضو به منظور وحدت مجدد خانواده از جانب کشورهای عضو به نحو مثبت، انسانی و سریع مورد ارزیابی قرار می گیرد. این کشورها همچنان تأمین می کنند که ارایه چنین تقاضا پیامدهای منفی برای تقضاکننده ها و اعضای خانواده شان در قبال نمی داشته باشد.

فقره (۱) ماده ۲۲ توجه کشورهای عضو را به تساوی در استفاده از حقوق اطفال با همراه و بی همراه معطوف می دارد.

اصل اساسی در مورد اطفال معیوب در فقره (۱) ماده ۲۳ میثاق حقوق طفل تسجیل یافته که مطابق به آن کشورهای عضو می پذیرند که

طفلی که از لحاظ جسمی یا روانی معیوب باشد باید از زندگی کامل و آبرومند در شرایطی برخوردار گردد که کرامت وی تأمین گردیده، احساس اتکا به خودش تقویت یافته و سهمگیری فعالانه وی در جامعه تسهیل یابد.

این حکم در ماده ۲ پیرامون عدم تبعیض مورد تأکید قرار گرفته و بر مبنای آن کشورهای عضو وظیفه دارند برای تمام اطفال ساحه صلاحیت خویش تمام حقوق مندرج میثاق را بدون هیچ گونه تبعیض و بدون در نظر داشت معیوبیت طفل تأمین نمایند که شامل حقوق تعلیم و تربیه و دسترسی به خدمات احیای مجدد می شود.

در فقره (۲) ماده ۲۳ آمده است که کشورهای عضو

حق طفل معیوب به حمایه خاص را می پذیرند و بذل مساعدت به طفل مستحق و پرستاران وی را مطابق به منابع دست داشته تشویق و تأمین می کنند، مساعدتی که تقاضا شود و به وضع طفل و اوضاع و احوال والدین یا پرستاران مناسب باشد.

در فقره (۳) ماده ۲۳ آمده است که هدف از کمک باید این باشد که اطفال معیوب به تعلیم و تربیه، آموزش، خدمات حفظ الصحه، خدمات احیای مجدد، آمادگی برای فرصتهای اشتغال و تفریح "دسترسی مؤثر" داشته از آن به منظور همپیوندی و رشد اجتماعی در کاملترین سطح ممکن آن استفاده نمایند. مزید بر آن، چنین مساعدت بایست با در نظر داشت امکانات مالی آنانیکه مسئولیت طفل را به عهده دارند در صورت امکان مجانی باشد.

حق بقا و تکامل

حق صحت طفل ذکر شده در ماده ۲۴ میثاق حقوق طفل، مؤجزترین و مشخصترین نحو تسجیل این حق در قوانین بین المللی حقوق بشر میباشد. در میثاق در رابطه با موضوع صحت برخورد گسترده تری نسبت به سازمان جهانی صحت (WHO) اتخاذ گردیده و روی حفظ الصحه ابتدائی تأکید شده است.

مسئولیت اساسی جلوگیری طفل از انجام اعمالی که به صحت اش مضر باشد به دوش خانواده است. اما وظیفه فراهم ساختن حمایت کافی و لازم مراقبت صحی به دوش دولت می باشد. در ماده ۲۴ به ایجاد، دسترسی و حمایت استفاده از برنامه های وسیع و متنوع حفظ الصحه اطفال عطف توجه شده است.

فقره (۱) ماده ۲۴ کشورهای عضو را مکلف می سازد حق طفل مبتنی بر استفاده از بلندترین سطح ممکن صحت را بپذیرند و آنها را دعوت می کند بخاطر تأمین این امر سعی کنند که هیچ طفلی از حق استفاده چنین خدمات صحی برای معالجهٔ مریضی و احیای مجدد صحت محروم نگردد.

در فقره (۲) ماده ۲۴ کشورهای عضو مکلف ساخته می شوند تا تدابیر لازم را جهت کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان اتخاذ نمایند. میثاق حقوق طفل، طرح حق زندگی را با وجایب مثبت بقا و تکامل ارتباط می دهد. تحقیقات سازمان جهانی صحت و یونیسف پیرامون میزان مرگ و میر دختران و پسران در زمان دگرگونی اقتصادی نشان داد که شمار زیاد غیرمتناسب دختران نسبت به پسران می میرند. دلیل آن هم این است که در برخی جوامع به دختران نسبت به پسران ارزش کمتر داده می شود.

مطابق فقره (۳) ماده ۲۴ کشورهای عضو وظیفه دارند شیوه های سنتی را که به صحت اطفال زیان آور اند از میان بردارند. ماده ۲ کشورهای عضو را مکلف می سازد تا تبعیض بر مبنای عقاید اعضای خانواده را منع قرار دهند و این ماده را همچنان می توان چنین تفسیر کرد که به دولت صلاحیت می دهد در جهت ریشه کن ساختن چنین تبعیض کار نماید.

در بند (ج) فقره (۲) ماده ۲۴ به حق طفل مبنی بر غذای کافی مغذی و آب پاک آشامیدنی اشاره شده کشورهای عضو را مکلف می سازد تا تمام تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا

برضد مرض و سوءتغذی، به شمول حفظ الصحهٔ ابتدائی از طریق منجمله کاربرد تکنولوژی دست داشته و فراهم ساختن غذاهای کافی مغذی و آب پاک آشامیدنی با در نظر داشت خطرات آلودگی محیط زیست مجادله نمایند.

در ماده ۲۴ میثاق حقوق طفل توجه کشورهای عضو به سه جنبه تغذیه جلب می گردد:

۱. غذای کافی مغذی
۲. آب پاک آشامیدنی
۳. تغذیه طفل توسط شیر مادر

در بند (هـ) فقره (۲) ماده ۲۴ اهمیت تغذیه طفل توسط شیر مادر به مثابه شکل تغذی اطفال برجسته شده و کشورهای عضو را مکلف می سازد تا والدین را از مزایای آن مطلع سازند.

در بند (د) فقره (۲) ماده ۲۴ به حفظ الصحه قبل و پس از وضع حمل مادران اشاره شده کشورهای عضو را مکلف می سازد تا حفظ الصحه لازم را برای مادران قبل و پس از وضع حمل فراهم نمایند.

این اصل شامل جلوگیری و کنترل عوامل خطر کم وزنی نوزاد و ولادت قبل از موعد؛ تأمین محیط پاک برای ولادت؛ حفظ و مراقبت درجه حرارت و تنفس؛ و آغاز بلافاصله تغذیه نوزاد از طریق پستان مادر می باشد. میثاق حقوق طفل روی اهمیت چنین حمایتی صحی تأکید ورزیده از کشورهای عضو می طلبد تا "تطبيق کامل این حق" را رعایت نمایند (فقره (۲) ماده ۲۴). باوصف تأکید روی این نکته، این مربوط به خود کشور عضو است تا هم وسعت این مسئله و هم معنی تحقق مؤثر آن را مقایسه و تخمین نماید.

فقره (۱) ماده ۲۷ کشورهای عضو را مکلف می سازد

حق هر طفل مبنی بر سطح زندگی ای که مناسب رشد و تکامل جسمانی، روحی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی طفل باشد

را بپذیرند. اصل "سطح زندگی" گسترده بوده و شامل تغذی، لباس، خانه و جنبه های صحتی می شود. لذا، در میثاق حقوق طفل سطح زندگی طفل با جنبه های رشد اخلاقی و اجتماعی طفل ارتباط داده می شود.

در فقره (۲) ماده ۲۷ تعریف می شود که والدین مسئولیت اساسی تأمین شرایط زندگی لازم رشد و تکامل طفل را در محدوده توانائی و امکانات مالی شان به عهده دارند. مطابق به فقره (۳) ماده ۲۷ وجبیه کشورهای عضو در امر مساعدت به والدین در چارچوب امکانات شان در جهت تطبیق حق طفل مبنی بر سطح کافی و مناسب زندگی در درجه دوم قرار می گیرد. اما، به موجب وجایب دولت مندرج ماده ۴ میثاق حقوق طفل، کشورهای عضو بازم وظیفه دارند تا یک سطح کافی و مناسب زندگی را به اعظمی ترین حد ممکن منابع دست داشته شان برای اطفال تضمین نمایند.

بخاطر تأمین حق طفل به سطح مناسب و کافی زندگی، هم اطفال و هم کلانسالان قادر خواهند بود از تأمینات اجتماعی مستفید گردند. پیشبینی تأمینات اجتماعی در ماده ۲۶ صرف کشورهای عضو را مکلف می سازد تا تحقق کامل این حق را "بر مبنای قوانین ملی" تأمین نمایند. لذا سطح کسب تأمینات اجتماعی نه بر پایه میزان حداقل بین المللی بلکه بر اساس قوانین ملی اندازه گیری می شود.

رابطه میان بقا و تکامل طفل در چارچوب یک برنامه عمومی صحت که در میثاق حقوق طفل تعریف شده است یک پیشرفت قابل ملاحظه در قوانین بین المللی به شمار می آید. اما تفکیک تصنعی در تطبیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با حقوق مدنی و سیاسی از طریق فراهم ساختن غیر عمدی یک اساس آشکار حقوقی برای مشی و برنامه های کشورهای عضو در فقدان اولویت سازی دخیل بوده است.

تعلیم و تربیه

تعلیم و تربیه در رشد انفرادی و ملی اهمیت بسزائی دارد. این امر برای اطفال هم از این جهت مهم است که به آنها کمک می کند از امکانات بالقوه خویش استفاده نمایند. در بند (الف) فقره (۱) ماده ۲۸

پیشینی شده است که کشورهای عضو وظیفه دارند تعلیمات ابتدائی رایگان را مطابق به حداظم منابع دست داشته خویش به گونه مستدام فراهم سازند. موضعگیری ای که در قوانین معاهدات بین المللی اتخاذ شده این است که اطفال مقیم کشورهای عضو میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و یا میثاق حقوق طفل حق دارند از تعلیمات ابتدائی رایگان مستفید شوند.

در بند (ب) فقره (۱) ماده ۲۸ آمده است که کشورهای عضو باید

رشد اشکال مختلف تعلیمات ثانوی، به شمول تعلیمات عمومی و مسکلی را تشویق نموده
آنها به تمام اطفال فراهم و مهیا بسازند و تدابیر لازم چون متداول ساختن تعلیمات رایگان
و بذل مساعدت مالی هنگام ضرورت را در زمینه اتخاذ نمایند.

مراجعه به بذل مساعدت مالی هنگام ضرورت از جانب کشورهای عضو نباید از وجیبه اساسی آنها
مبنی بر فراهم سازی و قابل دسترسی سازی مستدام تعلیمات ثانوی به همه اطفال به گونه مثال از طریق
فراهم ساختن رایگان تعلیمات ثانوی بکاهد.

بند (ج) فقره (۱) ماده ۲۸ کشورهای عضو را مکف می سازد تا به شکل مستدام

با استفاده از وسایل دست داشته تحصیلات عالی را برای همه بر اساس ظرفیت، قابل
دسترسی بسازد.

اصل تحمیل انطباط و دسپلین مکتب در فقره (۲) ماده ۲۸ تسجیل یافته که بیان می دارد:

کشورهای عضو تمام تدابیر لازم را برای تأمین این امر اتخاذ می نمایند که دسپلین مکتب
به نحوی که با کرامت انسانی طفل سازگار بوده و با مواد مندرج میثاق حقوق طفل تطابق
داشته باشد تنظیم گردد.

فقره (۲) ماده ۲۸ حمایت اضافی را برای طفل پیشبینی می کند. این ماده بیان می دارد که هرگونه اقدام انضباطی تعلیمی نباید شکنجه و یا مجازات مستبدانه، غیرانسانی و حقارت آمیز باشد و باید "به نحوی که با کرامت انسانی طفل سازگار بوده و با مواد مندرج میثاق حقوق طفل تطابق داشته باشد تنظیم گردد."

حکم مندرج فقره (۲) ماده ۲۸ را فقره (۱) ماده ۱۹ تقویت بخشیده بیان می دارد:

کشورهای عضو تدابیر لازم تقنینی، اداری، اجتماعی و تعلیمی را بخاطر حفاظت طفل از تمام اشکال خشونت جسمانی یا روحی، جراحت یا سوء استفاده، بی توجهی یا روش اهمال آمیز، سوء رفتار یا بهره برداری، به شمول سوءاستفاده جنسی هنگامی که در نزد والدین، قیم قانونی و یا مواظبت کننده دیگر باشد، اتخاذ می نمایند.

در عبارت "مراقبت کننده دیگر" معلمین نیز شامل می شوند.

در ماده ۲۹ اهداف تعلیم و تربیه تسجیل یافته و ارزش دیگر این ماده در این است که سعی می شود این اهداف از دیدگاه طفل مورد ارزیابی قرار گیرد. به موجب بند (الف) فقره (۱) ماده ۲۹ کشورهای عضو موافقه می کنند که تعلیم و تربیه طفل باید در جهت

رشد و تکامل شخصیت، استعداد و تواناییهای معنوی و جسمی طفل تا کاملترین حد ممکن

سمت داده شود.

در بند (ج) فقره (۱) ماده ۲۹ آمده است که تعلیم و تربیه همچنان باید در جهت

رشد احترام به والدین طفل و هویت، زبان و ارزشهای فرهنگی او، بخاطر ارزشهای ملی کشور مقیم، کشور اصلی و بخاطر تمدنهای که از تمدن او تفاوت دارد

سمت یابد.

در بند (د) فقره (۱) ماده ۲۹ پیشینی می شود که تعلیم و تربیه اطفال بایست آنها را برای یک زندگی مسئولانه در یک جامعه آزاد آماده سازد.

در رابطه با حق دسترسی مساوی به تعلیم و تربیه برای اطفالی که به یک اقلیت ملی، مذهبی یا زبانی تعلق دارند و یا از اهل بومی باشند، ماده ۳۰ چنین حکم می کند که آنها

در زیست با سایر اعضای گروپ خویش از حق استفاده از فرهنگ خود، ادای مراسم مذهبی اش یا استفاده از زبان خویش محروم ساخته نمی شوند.

برخوردهای مسلحانه

اطفال یا به شکل افراد ملکی و یا به عنوان اشتراک کنندگان در منازعات مسلحانه درگیر می شوند. آنها به عنوان اشتراک کنندگان در مخاصمات و زدوخوردها از طریق انتقال مواد خوراکه و مهمات به گونه غیر مستقیم و یا با شامل شدن در صفوف نیروهای مسلحانه درگیر مستقیماً سهم می گیرند.

شاخه حقوق بین الدول در مورد منازعات مسلحانه همانا قوانین بشرخواهانه بین المللی می باشد که وسیعاً به دو دسته تقسیم شده است: منازعات مسلحانه بین المللی و منازعات مسلحانه غیربین المللی.

فقره (۱) و (۲) ماده ۳۸ میثاق حقوق طفل به صراحت هم اصول قوانین بین المللی حقوق بشر و هم قوانین بشرخواهانه بین المللی در مورد اطفال درگیر در منازعات مسلحانه را تأیید می کند. **فقره (۱)** این ماده از کشورهای عضو می طلبد احترام به احکام قوانین بشرخواهانه بین المللی را که در مورد شان در منازعات مسلحانه مرتبط به اطفال صدق می کند تأمین نمایند. **در فقره (۴) ماده ۳۸** از کشورهای عضو دعوت بعمل می آید تا مطابق به وجایب شان مندرج قوانین بشرخواهانه بین المللی

از افراد ملکی در منازعات و درگیریهای مسلحانه حفاظت نمایند. کشورهای عضو تمام تدابیر ممکن را بخاطر تأمین حفظ و حمایت اطفال که از ناحیه درگیری مسلحانه آسیب می بینند، اتخاذ می نمایند.

در فقره های (۲) و (۳) ماده ۳۸ سن پانزده سالگی برای سهمگیری مستقیم یا سربازگیری در قوای مسلح عنوان شده است. در فقره (۳) این ماده آمده است:

کشورهای عضو از سربازگیری هر شخصی که سن پانزده سالگی را تکمیل نکرده باشد در قوای مسلح خودداری می کنند. کشورهای عضو حین سربازگیری افرادی که در بین سنین ۱۵ الی ۱۸ باشند سعی می نمایند به آنانیکه بلندترین سن دارند تقدم دهند.

در حالیکه در ماده ۳۸ اشاره صریح به احیای مجدد طفلی که قربانی منازعات مسلحانه شده باشد نشده است در ماده ۳۹ در باره مساعدت به چنین گروهی از اطفال پیشبینی ای وجود دارد.

مطابق به ماده ۳۹ کشورهای عضو تمام تدابیر لازم را اتخاذ می نمایند تا

احیای مجدد جسمانی و روانی و تلفیق مجدد اجتماعی طفلی را که از ناحیه هر نوع بی توجهی، بهره برداری یا رفتار سوء؛ شکنجه یا هر نوع رفتار یا جزای مستبدانه، غیرانسانی یا حقارت آمیز؛ یا منازعات مسلحانه آسیب دیده باشد، تقویت نمایند. چنین احیا و تلفیق مجدد در محیطی که صحت، احترام خودی و کرامت طفل رشد یابد، انجام می شود.

استثمار و بهره برداری از اطفال

استثمار و بهره برداری از اطفال به اشکال مختلف صورت گرفته و خصلت همگانی دارد. هرگونه رفتار نسبت به یک طفل که منجر به استثمار گردد اکثراً از نقض بیش از یک حق ناشی می شود. استثمار شامل نقض حقوق اساسی که معمولترین آن مداخله غیرقانونی در زندگی خانواده می باشد و حقوق تعلیم و تربیه، صحت و تفریح می شود که همه آنها برای بقا و رشد سالم طفل خیلی ضروری می باشد. استثمار اطفال بازتاب الگو و شیمای موجود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور است.

پیمانۀ کار توسط اطفال در یک کشور مربوط به تلفیق عوامل عرضه و تقاضا به شمول فقر می شود. سازمان بین المللی کار^{۲۲} (ILO) اظهار داشته است که اطفال دارای سنین کمتر از سن حداقل به دلیل فقر در خانواده های شان و سطح پائین انکشاف در کشور شان مجبور به کارکردن می شوند.

هدف قوانین بین المللی در رابطه با استثمار اقتصادی همانا جلوگیری اطفال در حالات مشخص از کارکردن و حمایت آنها در صورتی که واجد شرایط کار باشند.

حقوق بین الدول تعریف دقیق کار توسط طفل را بدست نه می دهد، زیرا این کار به اشکال زیاد صورت می گیرد. می توان آنرا به دسته های ذیل تقسیم کرد:

- محلی
- غیرمحلی
- غیر پولی
- بیگاری در مقابل وام
- کار دستمزدی
- فعالیت اقتصادی جنبی

در حقوق بین الدول چنین پنداشته نه می شود که تمام انواع کار توسط طفل شامل استثمار می شود. استخدام اطفال پائینتر از یک سن معین و اشتغال آنها در کاری که به صحت و اخلاق شان لطمه وارد کند منع قرارداد شده است.

^{۲۲} سازمان بین المللی کار (ILO) یک نمایندگی خاص سازمان ملل متحد است که با مسایل کار سروکار دارد.

در فقره (۱) ماده ۳۲

حق طفل مبنی بر حفاظت او از استثمار اقتصادی و شمولیت در کاری که احتمالاً مضر بوده و یا تعلیم و تربیه او را اخلاص کند، یا به صحت و سلامتی و رشد جسمانی، معنوی، روحی، اخلاقی و اجتماعی وی آسیب برساند

پیشبینی شده است.

معاهده اساسی پیرامون سنین حد اقل کار و استخدام همانا کنوانسیون شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی کار می باشد^{۳۳} که در ماده ۱ آن لغو مؤثر کار توسط اطفال فراخوانده شده و حکم می کند که هر کشور باید سن حد اقل استخدام یا کار را قانوناً تعیین نماید که کمتر از ۱۵ سالگی نباشد.

در میثاق حقوق طفل به استاندارد بین المللی حداقل سن اشاره نشده است. حسب فقره (۲) ماده ۳۲ کشورهای عضو ملکف اند تا

اقدامات تقنینی، اداری، اجتماعی و تربیوی را بخاطر تأمین تحقق این ماده

اتخاذ نمایند.

در رابطه با حداقل سن کار برای اطفال کشورهای عضو مطابق بند (الف) فقره (۲) ماده ۳۲ باید به احکام مربوط دیگر اسناد بین المللی مراجعه نموده و بویژه

سن حداقل یا سنین اجازه استخدام اطفال را در قوانین خویش پیشبینی نمایند.

برای متن کامل مراجعه شود به: <http://www.ilo.org/ilolex/english/convdisp2.htm>

در بند (ب) فقره (۲) ماده ۳۲ بر حفاظت طفل از استثمار اقتصادی تأکید شده کشورهای عضو مکلف اند

مقررات لازم را در زمینه ساعات و شرایط استخدام وضع نمایند.

بردگی افراطی ترین شکل استثمار اقتصادی به شمار آمده در تمام معاهدات منطقه ئی و جهانی حقوق بشر، پیمانهای مشخص منع بردگی و قوانین معمول بین المللی به ارتباط کلانسالان و اطفال ممنوع می باشد. منع بردگی کشورهای عضو را مکلف می سازد تا تمام نهادها و روشهای مشابه بردگی، به گونه مثال وابستگی قرض و وام و تجارت اطفال را از میان بردارند.

حسب تعریف، بهره برداری جنسی اطفال را می توان به معنی استفاده از اطفال بخاطر ارضای جنسی دیگران به قیمت نیازمندیهای عاطفی و جسمانی اطفال توصیف نمود. این یک شکلی از استثمار است که تحقیق در این باره بنا بر ماهیت آن و تجارب تلخ وابسته به آن، منهیات خانوادگی و اجتماعی، بدنامی و سرکوبی خیلی حساس می باشد.

میثاق حقوق طفل نخستین پیمان بین المللی است که کشورهای عضو را مکلف می سازد تا طفل را از تمام اشکال استثمار و سؤاستفاده جنسی محافظت نماید. ماده ۳۴ ضمن متعهد ساختن کشورهای عضو به حفظ طفل از تمام اشکال استثمار و سؤاستفاده جنسی این کشورها را فرا می خواند تا

تمام تدابیر لازم ملی، دوجانبه و چندجانبه را بخاطر جلوگیری از:

- (أ) واداشتن یا مجبور ساختن طفل به کار غیرقانونی جنسی
- (ب) استفاده استثمارگرانه اطفال در فحشا و سایر اعمال غیرقانونی جنسی
- (ج) استفاده استثمارگرانه اطفال در نمایشات و مواد پورنوگرافیک

ماده ۳۶ میثاق حقوق طفل کشورهای عضو را مکلف می سازد تا از طفل

در برابر تمام اشکال استثمار که به نحوی از انحا به رفاه طفل لطمه وارد نماید

محافظت نمایند.

این ماده گسترده به منظور آنکه میثاق حقوق طفل کلیه اشکال امروزی و آینده استعمار طفل را دربر بگیرد تدوین شد.

فروش و تجارت اطفال به ارتباط سه فعل مختلف ولی متداخل انجام می یابد:

- به فرزندگی گرفتن طفل بین دوکشور
- کار شاقه و جبری
- استعمار جنسی

ماده ۳۵ این اشکال استعمار را احتوا کرده و کشورهای عضو را مکلف می سازد تا کلیه تدابیر لازم ملی، دوجانبه و چندجانبه را بخاطر جلوگیری از

اختطاف، فروش یا تجارت اطفال بنا بر هر مقصد و به هر شکلی که باشد

اتخاذ نمایند.

در میثاق حقوق طفل توجه خاصی به استفاده نامشروع از مواد مخدر و روانگردان معطوف شده حالاتی را پیشبینی می کند که اطفال از چنین مواد استفاده می کنند و یا به عنوان قاصدان و دلالان در تجارت مواد مخدر مورد استعمار تجاران مواد مخدر قرار می گیرند. ماده ۳۳ کشورهای عضو را مکلف می سازد تا

تدابیر لازم را، به شمول اقدامات تقنینی، اداری، اجتماعی و تعلیمی، بخاطر حفاظت اطفال از استفاده نامشروع مواد مخدر و روانگردان طوری که در معاهدات مربوط بین المللی تعریف شده است و بخاطر جلوگیری استعمال اطفال در تولید و تجارت غیرقانونی چنین مواد

اتخاذ نمایند.

ماده ۳۹ نیز در اینجا قابل تطبیق است زیرا اطفالی را که قربانی تمام اشکال استفاده سؤ و بهره برداری شده اند احتوا می کند. این ماده کشورهای عضو را فرا می خواند تا اقداماتی را بخاطر تقویة احیا و تلفیق مجدد اطفالی که از مواد مخدر استفاده کرده اند اتخاذ نمایند.

عدالت در مورد نوجوانان

در قوانین بین المللی حقوق بشر هدف از سیستم عدلی نوجوانان همانا ارتقای احیا و تلفیق مجدد اجتماعی طفل، به شمول حسن کرامت و ارج طفل و نیز احترام وی به حقوق اساسی دیگران می باشد.

بر اساس فقره (۱) ماده ۴۰ میثاق حقوق طفل، کشورهای عضو به این حق طفل متعهد اند که

با هر طفلی که به تخطی از قانون جزا مظنون، متهم یا مرتکب باشد مطابق به شیوه ای رفتار میشود که با احساس کرامت و ارج طفل همساز بوده، احترام طفل نسبت به حقوق بشر و آزادی های اساسی دیگران را تقویت بخشیده، سن طفل و آرزوی رشد احیای مجدد طفل و نقش سازنده او در جامعه در نظر گرفته شود.

کشورهای عضو وظیفه دارند یک سیستم عدالت نوجوانان به شمول محاکم جوانان را از طریق تدوین قوانین و مقررات مشخص در سطح ملی بوجود آورده و به این ترتیب وجایب خویش را در زمینه اداره عدالت نوجوانان به منصفه اجرا گذارند.

مطابق به فقره (۳) ماده ۴۰ میثاق حقوق طفل

کشورهای عضو ایجاد قوانین، طرزالعملها، ادارات و موسسات را مخصوصاً در احوال اطفالی که به تخطی از قانون جزا مظنون، متهم یا مرتکب شناخته شده باشند، ایجاد می نمایند.

در بند (الف) فقره (۳) ماد ۴۰ پیشینی می شود که کشورهای عضو سن حد اقل مسئولیت جزائی را در قانون پیشینی می نمایند. بند (ب) فقره (۳) ماد ۴۰ از کشورهای عضو می طلبد تا مراحلی را ایجاد کنند که طی آن با موارد چنین اطفال بدون مراجعه به اجراءات جزائی با احترام کامل به حقوق بشر و حفاظت قانونی، رسیدگی شود.

اطفال مظنون به یک جرم تا جایی که به حمایت جزائی در مورد دستگیری، توقیف، تحقیق و محاکمه ارتباط می گیرد با کلانسالان حقوق مساوی دارند. حمایت جزائی باید بهترین منافع طفل را حفظ نموده و احترام به حق استماع طفل و تلفیق مجدد اجتماعی او را تأمین نماید.

مطابق به فقره (الف) ماده ۳۷

هیچ طفل مورد شکنجه یا سایر شیوه ها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و حقارت آمیز قرار نمی گیرد.

در همه احوال طفل حق مطلق دارد که مورد شکنجه یا رفتار یا جزای مستبدانه، غیرانسانی و حقارت آمیز قرار نگیرد. این حکم شامل تنبیه بدنی به عنوان مجازات در برابر یک تخلف یا به مثابه یک عمل آموزشی یا انضباطی نیز می شود. طفلی که قربانی رفتار سوء شده باشد حق دارد از تدابیر مربوط به احیای مجدد جسمی و روحی و تلفیق مجدد اجتماعی وی مستفید شود..

مطابق به فقره (۱) ماده ۳ و فقره (۱) ماده ۴۰ میثاق حقوق طفل، در نظر گرفتن بهترین منافع طفل اصل اساسی و رهنمای تمام نهادها و ادارات، به شمول محاکم در تمام اجراءات مربوط به اطفال به منظور هدف غائی رشد تلفیق مجدد اجتماعی وی می باشد.

حسب بند (الف) فقره (۲) ماده ۴۰ میثاق حقوق طفل

هیچ طفل به تخطی از قانون جزا به موجب انجام یا ترک عملی که هنگام ارتکاب از نظر قوانین ملی یا بین المللی جرم پنداشته نمی شد، مظنون، متهم یا مرتکب شناخته نه می شود.

حسب جز (۱) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ طفل حق دارد که

تا زمانیکه مطابق به احکام قانون مجرم شناخته نشود، بیگناه محسوب شود.

مطابق جز (۲) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ طفل حق دارد که

به اسرع وقت و مستقیماً و در صورت لزوم از طریق والدین یا قیم قانونی اش از اتهاماتی که به او نسبت داده شده مطلع ساخته شود و از معاونت حقوقی و سایر مساعدتهای لازم در تدارک و آمادگی دفاعیه مستفید شود.

مراجعه به سایر "مساعدتهای دیگر لازم" برای طفل امکان می دهد تا مدافعه وی توسط اشخاصی که حقوقدان نباشند تأمین گردد. اما به چنین مساعدت باید صرف در حالات تخطی کوچک از قانون توسل صورت گیرد.

جز (۳) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ حکم می کند طفل حق دارد که

قضیه اش از جانب اداره یا مرجع قضائی ذیصلاح، مستقل و بیطرف در یک محاکمه عادلانه مطابق به احکام قانون در حضور معاون یا شخص دیگر حقوقی و، مگر اینکه با

بہترین منافع طفل سازگار نباشد، بویژه با در نظر داشت سن و احوال او، والدین یا قیم قانونی او بدون تأخیر مورد رسیدگی قرار گیرد.

جز (۴) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ شامل دو حق جداگانه می شود. نخست، حق طفل مبنی بر اینکه نباید به دادن شهادت یا اعتراف به گناه مجبور ساخته شود. ثانیاً، حق بازرسی کردن یا بازرسی شدن شهود مقابل و کسب اشتراک و بازرسی شهود به نمایندگی او در شرایط مساوات.

مطابق جز (۵) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ هرگاه بنابر حکم محکمه یک طفل متخلف قانون جزا شناخته شود، وی حق دارد

فیصله مذکور و اقدامات و ناشی از آن را به یک اداره یا مقام بالاتر قضائی ذیصلاح، مستقل و بیطرف مطابق احکام قانون جهت رسیدگی محول نماید.

مطابق جز (۶) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ میثاق حقوق طفل، طفل حق دارد

اگر به زبان معمول محکمه آشنائی نداشته باشد از مساعدت رایگان مترجم مستفید شود.

جز (۷) بند (ب) فقره (۲) ماده ۴۰ حکم می کند که طفل متهم حق دارد

به محرمیت او در تمام مراحل اجراءات جزائی احترام کامل گذاشته شود.

حق طفل متهم مبنی بر احترام گذاردن به محرمیت اش در رابطه با اجراءات جزائی خیلی بیشتر از محافظتی است که متخلفین کلانسال از این حق مستفید می شوند.

طفل و سلب آزادی

سلب آزادی طفل باعث ایجاد یک پروبلم خاص می شود، زیرا اگر طفل از خانواده اش به منظور توقیف دور ساخته شود ممکن است از تأثیرات جدی و حتی برگشت ناپذیر منفی روانی رنج ببرد. به همین دلیل، در قوانین بین المللی حقوق بشر سعی شده است که امکان سلب آزادی اطفال به کمترین حد آن کاهش داده شود. بخاطر تخفیف بخشیدن تأثیرات منفی سلب آزادی اگر رخ دهد، قوانین بین المللی قواعد خاصی را بر مبنای بهترین منافع طفل مذکور پیشبینی می کند.

در ماده ۳۷ میثاق حقوق طفل احکامی وجود دارد که به سلب آزادی طفل ارتباط می گیرد. علاوه بر آن، قواعد ملل متحد برای حمایت نوجوانان دارای سلب آزادی که به تاریخ ۱۴ دسامبر سال ۱۹۹۰ توسط مجمع عمومی به تصویب رسید، سندی است که مشخصاً روی این موضوع تماس می گیرد^{۲۴}

مطابق به بند (ب) قاعده ۱۱ این قواعد

سلب آزادی به معنی هر شکلی از توقیف یا حبس یا نگهداشتن شخص در یک محل دولتی یا شخصی که وی از آن به اراده خویش اجازه بیرون شدن را نداشته باشد، توسط حکم یک اداره قضائی، اداری یا دولتی است.

فقره (ب) ماده ۳۷ حکم می کند که نخست

هیچ طفل از آزادی خویش غیرقانونی و خودسرانه محروم نمی شود

ثانیاً این ماده در این باره مشخص می سازد که

دستگیری، توقیف و حبس طفل براساس احکام قانون صورت گرفته به حیث آخرین اقدام برای کوتاه ترین مدت لازم صورت می گیرد.

^{۲۴} برای متن کامل مراجعه شود به: http://www.unhcr.ch/html/menu3/b/h_comp37.htm

مطابق به ماده ۲ میثاق حقوق طفل سلب آزادی نیز باید به نحو غیرتبعیض آمیز مورد استفاده قرار گیرد.

طفل دستگیرشده، متوقف یا محبوس بنابر خوردسالی اش دارای حقوق اضافی می باشد. از این رو برخورد با طفل باید مطابق با نیازمندیهای مشخص او بوده و همواره با بهترین منافع او سازگار باشد.

فقره (ج) ماده ۳۷ میثاق حقوق طفل، موضوع رفتار ناسالم نسبت به طفل را که در فقره (الف) این ماده به آن اشاره شده است تکمیل نموده حکم می کند

با هرطفلیکه آزادی اش سلب شده رفتار انسانی بعمل آمده و به کرامت انسانی اش احترام می شود و این رفتار به شیوه ای می باشد که در آن نیازمندی های که شایسته شخص همسن او است در نظر گرفته شود.

علاوتاً، فقره (ج) ماده ۳۷ حکم می کند

هرطفلیکه آزادی اش سلب شده از اشخاص کلان سن مجزا ساخته می شود، مگر اینکه منافع طفل طور دیگری ایجاب نماید

مطابق به فقره (ج) ماده ۳۷ طفلی که آزادی اش سلب شده باشد

حق دارد از طریق مراسلات و ملاقات ها با خانواده اش تماس داشته باشد به استثنای حالات خاص.

در فقره (د) ماده ۳۷ آمده است:

هر طفلی که آزادی اش سلب شده است حق دارد به مساعدت حقوقی و سایر معاونت ها دسترسی فوری داشته باشد، حق دارد علیه قانونی بودن سلب آزادی اش در برابر محکمه یا مقام دیگر باصلاحیت، مستقل و بیطرف اعتراض نموده طالب فیصله گردد.

در میثاق حقوق طفل و قواعد ملل متحد سعی شده برای تمام اطفال بدون در نظر داشت دلیل سلب آزادی شان حقوق حداقل تثبیت شود. هدف در اینجا برخوردهای گسترده تر است که شامل اصل احیا و تلفیق مجدد می شود.

کمیته حقوق طفل

کمیته حقوق طفل متشکل از کارشناسان مستقل است که تطبیق میثاق حقوق طفل از جانب کشورهای عضو را نظارت می کند. این کمیته همچنان تطبیق دو پروتوکول اختیاری این میثاق را حاوی شامل بودن اطفال در منازعات مسلحانه و فروش، فحشا و پورنوگرافی طفل می باشد، مورد نظارت قرار می دهد.

مطابق به ماده ۴۴ میثاق حقوق طفل، تمام کشورهای عضو مکلف اند گزارشهای منظم پیرامون چگونگی تطبیق این حقوق به این کمیته ارائه کنند. این کشورها در ابتدا دو سال بعد از الحاق به میثاق و سپس هر پنج سال یکبار گزارش می دهند. کمیته هر گزارش را ارزیابی نموده و نگرانیها و سفارشات خویش را به کشور مربوط به شکل مشاهدات نهائی گسیل می دارد.

کمیته گزارشات اضافی را نیز بررسی می کند که از جانب کشورهای که به دو پروتوکول اختیاری این میثاق الحاق کرده اند، ارائه می شود.

کمیته نمی تواند شکایات انفرادی را مورد بررسی قرار دهد، هر چند حقوق طفل را می توان در برابر دیگر کمیته های که صلاحیت بررسی شکایات انفرادی را داشته باشند پیشکش نمود.

این کمیته به صورت عادی سه بار در سال در ژنیو ملاقات می کند که شامل یک اجلاس عمومی برای سه هفته و یک جلسه گروه کاری قبل از اجلاس برای یک هفته می شود. در سال ۲۰۰۶ این کمیته گذارشات واصله را در دو بخش موازی که هر کدام ۹ عضو داشت به عنوان یک اقدام استثنائی و موقت بنخاطر رفع عقبمانی در بررسی گذارشات مورد ارزیابی قرارداد.

کمیته همچنان تفسیر محتویات احکام حقوق بشر را که بنام تبصره های عمومی پیرامون مسائل موضوعی یاد می شود به چاپ رسانیده و روزهای مباحثات عمومی را سازماندهی می کند.

ج) پروتوکولهای اختیاری

در ماه می سال ۲۰۰۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو پروتوکول اختیاری مربوط به میثاق حقوق طفل را پیرامون شمولیت اطفال در منازعات مسلحانه و پیرامون فروش اطفال، فحشای طفل و پورنوگرافی طفل به تصویب رسانید. پروتوکول های اختیاری در سال ۲۰۰۲ به منصفه اجرا گذاشته شد و افغانستان هردو پروتوکول اختیاری را در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۳ به امضا رسانید.^{۲۵} افغانستان در مورد پروتوکول اختیاری میثاق حقوق طفل درباره شمولیت اطفال در منازعه مسلحانه اعلامیه ذیل را صادر نمود:

مطابق به فرمان شماره ۲۰ مؤرخ ۲۵ می سال ۲۰۰۳ پیرامون پیوستن داوطلبانه افراد به اردوی ملی افغانستان که از جانب جلالتماب حامد کرزی، رئیس دولت افغانستان به امضا رسیده است، حداقل سن شمولیت اتباع افغانستان در خدمت فعالانه نظامی به سنین ۲۲ الی ۲۸ محدود شده است. شمولیت تمام پرسونل در صفوف اردوی ملی افغانستان داوطلبانه بوده جبری و تحمیلی نمی باشد.^{۲۶}

^{۲۵} بخاطر متن کامل پروتوکول های اصلی میثاق حقوق طفل مراجعه شود به:

<http://www.ohchr.org/english/law/crc-conflict.htm>;
<http://www.ohchr.org/english/law/crc-sale.htm>

^{۲۶} مراجعه شود به:

http://www.ohchr.org/english/countries/ratification/11_b.htm#reservations

(د) موارد حقوقی

بریتانیا: تیریر در مقابل بریتانیا

در قضیه تیریر در مقابل بریتانیا، محکمه حقوق بشر اروپا وظیفه داشت بررسی نماید که آیا مجازات عدلی جسمانی در تناقض با کنوانسیون حقوق بشر اروپا است یا خیر. قضاوت در این قضیه در ارتباط با مجازات عدلی جسمانی که با کنوانسیون متناقض است و به دلیل این که می توان استدلال فیصله محکمه را بخاطر آزمایش اشکال دیگر مجازات اطفال بکار گرفت، مفید می باشد.

عارض که یک طفل است در جزیره مان به گناه حمله و آسیب بدنی غیرقانونی از جانب مقامات عدلی ذریعه چوب قان مورد لت و کوب قرار گرفته است. مرافعه خواهی عارض علیه تصمیم محکمه به ناکامی انجامیده بود. محکمه سپس اورا مورد معاینه صحی قرار می دهد و درمی یابد که مانعی در زمینه انفاذ جزا وجود نداشت. این لت و کوب جلد عارض را متورم ساخت ولی پاره نه نمود و وی برای تقریباً یک و نیم هفته پس از لت و کوب درد داشت.

قضیه در برابر محکمه اروپا این بود که آیا مجازات عارض به معنی جزای تحقیرآمیز است یا خیر که در ماده ۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپا تسجیل شده است. این ماده حکم می کند: "هیچ شخص در معرض شکنجه یا مجازات و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار نمی گیرد." محکمه بررسی نمود که یک شخص ممکن است بنا بر حقیقت محض محکومیت جزائی تحقیر شود و معترف شد که یکی از اثرات جزاهای عدلی ممکن است "به دلیل اطاعت بی میل از خواسته های سیستم جزائی" تحقیر ساختن شخص باشد. لذا، ماده ۳ خواهان چیز بیشتر از توهینی است که فیصله محکمه باعث آن گردیده، یعنی در نتیجه تطبیق جزای معین باید رنج اضافی ای نیز بوجود آید.

برای اینکه یک جزا به اندازهٔ حقارت پنداشته شده و در زمرهٔ دلایل منع شدهٔ ماده ۳ شمرده شود، "باید توهین و تحقیر ناشی از این جزا به یک سطح معین برسد و باید در هر حال چیز بیشتر از عنصر همیشگی توهین باشد." لوی حارنوال جزیرهٔ مان موفق نشد این دلیل خویش را به کرسی نشانند که مجازات عدلتي جسماني کنوانسیون را نقض نمی کند زیرا گویا چنین جزا باعث شور و غوغای ساکنین جزیره نگردیده بود. ولی محکمه خاطر نشان ساخت که حتی اگر فرض کنیم که افکار عامه محلی می توانست بالای تفسیر اصل رفتار تحقیرآمیز تأثیر داشته باشد، این تأثیر افکار عامه در اینجا قابل بحث نیست. مطابق به قضاوت، ممکن است کافی باشد که عارض در برابر چشمان خودش توهین شده است چه رسد به اینکه در برابر انظار مردم تحقیر شود.

محکمه این امکان را نفی کرده نمی توانست که این جزا ممکن است تأثیرات منفی روانی نیز بالای عارض داشته باشد. ماهیت نهادی این خشونت را "تمام محیط اقدامات رسمی تطبیق جزا و اینکه جزا دهندگان به مجرم کاملاً بیگانه بودند، تشدید نمود." علاوه بر آن، عارض مورد درد روحی پیشبینی خشونتی که در انتظار وی بود، قرار داشت."

محکمه خاطر نشان ساخت جزائی که بنابر عقیدهٔ مردم در کنترل جرائم مؤثر باشد بدان معنی نیست که خصلت تحقیرآمیز خود را از دست میدهد. به این ترتیب، محکمه فیصله نمود که لت و کوب عدلی یک جوان با ماده ۳ کنوانسیون در تناقض می باشد.

ه) نتیجه گیری

چالشها و موانعی که در راه حفظ حقوق اطفال در سطح بین المللی وجود دارد نباید به عنوان بهانه عدم اتخاذ تدابیر لازم در سطح ملی مورد استفاده قرار گیرند.

حفظ حقوق طفل در سطح بین المللی مانند حفظ تمام حقوق مربوط به منابع است که نه یک موضوع حقوق بین الدول بلکه اراده سیاسی بین المللی می باشد. اراده سیاسی را می توان از طریق برجسته ساختن موفقیت‌های که در راستای استراتژیهای حقوق طفل بدست آمده است، افزایش بخشید.

مأخذها

متون:

Charlesworth, H. and Chinkin, C., *The boundaries of international law. A feminist analysis* (Manchester: Manchester University Press, ۲۰۰۰).

Steiner, H. J. and Aston, P., *International Human Rights in Context. Law Politics and Morals*. Second Edition (Oxford: Oxford University Press, ۲۰۰۰).

Van Bueren, G., *The International Law on the Rights of the Child* (The Hague: Kluwer Law International, ۱۹۹۸).

Wardak, Ali, 'Building a post-justice system in Afghanistan' in *Crime, Law and Social Change* ۴۱, pp.۳۱۹-۳۴۱, ۲۰۰۴.

سایت های انترنت:

معاهدات:

- هسته ادارات اسناد و معاهدات بین امللی حقوق بشر:
<http://www.ohchr.org/english/law/index.htm>
- میثاق امحای تمام اشکال تبعیض برضد زنان مصوب سال ۱۹۷۹:
<http://www.ohchr.org/english/law/cedaw.htm>
- میثاق حقوق طفل :
<http://www.ohchr.org/english/law/crc.htm>

سازمانها

- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان:
<http://www.aihrc.org.af/>
- کمیته حقوق بشر حقوقدانان انگلستان و ویلز:
<http://www.barhumanrights.org.uk/>
- وزات امور خارجه بریتانیا:
<http://www.fco.gov.uk>



**BAR HUMAN RIGHTS COMMITTEE OF
ENGLAND AND WALES**

**Training Manual
Rights of Women and the Child**

**Afghanistan
April 2007**